

چرخش بسوی "شیطان بزرگ"

صفحه ۷

اعلام جرم علیه جنایتکاران شکنجه گر در خیم ننگت باد!

مردم زحمتکش ایران!
انسانهای شریف جهان!
جمعیت هلال احمر ایران!
جمعیت صلیب سرخ بین المللی!

جنایتکاران شکنجه گری، که بر جان و مال مردم زحمتکش و آزادی دستانشان را خاتم شده اند، برای پیشبرد اهداف پلید خود علیه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن و برای سرکوب میهن دستان و دگراندیشان از هیچ وسیله و اقدامی، هر چند هولناک و غیرانسانی، ایام ندارند!

طبق گزارشات متعدد پزشکان متخصص که در اختیار ما است و بر مبنای مشاهده فیلم تلویزیونی به اصطلاح "اعتراضات" تنظیم شده اند، در زخمیان با شکنجه های بربرمنشانه خود از جمله صدمه مغزی به رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، وارد کرده اند.

در اثر این صدمه مغزی سمت راست صورت رفیق نورالدین کیانوری فلج Hemiparesis شده است. طبق همین بقیه در صفحه ۲

راه
توده

شهرمردان حزب توده ایران در طرح از کشور

جمعه ۶ خرداد ۱۳۶۲ مطابق ۱۲ شعبان
۱۳۰۲ و ۲۷ تا ۱۹۸۲
سال اول، شماره ۴۳
پا: ۱۰۰ ریال

تشکیل کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده ای

های گوناگون و ارسال نامه به مقامات جمهوری اسلامی و درخواست آزادی فوری و بلا قید و شرط این میهن پرستان، کمیته دفاع از زندانیان توده ای آلمان فدرال متشکل از حقوقدانان و پیز-شکان و فعالین جنبش دموکراتیک این کشور به منظور هماهنگی و تعمیق این فعالیت ها در سراسر جهان از فعالین جنبش دفاع میهن پرستان بقیه در صفحه ۳

در پی گسترش موج همبستگی نیروهای مترقی و دموکراتیک در سراسر جهان با حزب توده ایران و دفاع از زندانیان در بند و تلاش برای حفظ جان آنها، که تا بحال بشکل اعزام هیئت و درخواست از دولت جمهوری اسلامی برای سفر به ایرانشهر، عنوان ناظرین بیطرف جهت ملاقات با زندانیان توده ای و شرکت در دادگاههای غلنی این رفقا، به سفارتخانه های ایران در کشور

خائن کیست؟

این روزها خائنین به اهداف انقلاب ضد-امپریالیستی و مردمی میهن ما و با آنها، تسلیم-طلبان و معاشاگران با ارتجاع داخلی و راستگرایان، شاه وار و ساواک وار به لجن پراکنی علیه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران مشغولند و حزب ما را "خائن می نامند! آنها که در این زمینه هم چیز "نوئی" به بازار نیاوردند و "راه سومی" جز راه سقوط به دامن امپریالیسم نیافتند، کف بر لب آوردند و آن نشخوار می کنند، که ارضیه قی شده رژیم سلطنتی و ارتجاع داخلی و خارجی است. مردم که هر روز با چشمانی حیرت زده عاقبت آنهمه فریاد های "برای مستضعفان و محرومان را می بینند به درین سوال می کنند:

خائن کیست؟

مخک خیانت چیست؟

به دروغ مدعی اند، که حزب ما "قانون جمهوری را زیر پا گذاشته است! می خواهند القاء بکنند، که قربانیان بی قانونی و قانون شکنی، آنها که عناصر مشکوک غیر مسئول و مسئول به خانه ها و کلوپ هایشان ریختند و آتش زدند و تاراج کردند، قانون شکنند و نه آنها که بانی یورش و ستم و تازیدن گشایند. می خواهند القاء کنند، که نه آنهاست که مسئول بودند که جلوی این قانون شکنی ها را بگیرند، به قانون خیانت کردند بلکه آنها که خود را مورد تهدید اوباش "مسلمان" و مسلمان نما یافتند! می خواهند القاء کنند، که بقیه در صفحه ۲

گسترش همبستگی بین المللی در دفاع از حزب توده ایران

توده ایران که با حضور نماینده حزب در دادگاه ننگه پاریس تشکیل شده، قطعنامه های در محکوم کردن دستگیری و شکنجه وحشیانه رهبران و اعضا و اعلام انحلال حزب توده ایران بتصویب رسید. در پایان قطعنامه فراخوانی از کلیه نیروهای دموکراتیک و آزاد یخواه فرانسه خواسته شد که برای نجات جان این مبارزین بیاخیزند و «تظاهرات روز ۱۸ ماه مه بدین مناسبت برگزار میشود، شرکت نمایند»

سازمانهای اعضا کنند به بدینقرارد:

بقیه در صفحه ۴

پس از بخش ستاریوی "اقرار" رهبران حزب توده ایران، از شبکه تلویزیون ایران که بکارگردانی سیا، موساد، ساواک و سایبر سرریس های جاسوسی امپریالیستی در "استودیو اوین" تهیه گردیده بود، موج اعتراضات احزاب، سازمانها، شخصیت ها و افراد مترقی در همه دنیا بر علیه این جنایت ابعاد تازه ای به خود گرفته است.

فرانسه

در جلسه همبستگی با رهبران و اعضا حزب

کارگران، دهقانان، جوانان و روشنفکران انقلابی برای دفاع از دستاوردهای انقلاب به صفوف حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید!

خائن کیست؟

بقیه از صفحه ۱

آنها که در مواقع مراجعه و برخورد به نهاد های انقلابی خود را تودهای مدافع انقلاب محرفی می کردند، خائفتند و نه آنها که لیست نام و آدرس این انقلابیون صادق را برای روز خیا نت خود تدارک می دیدند!

آیا ما، که مدافع قانون اساسی هستیم خائنینیم، و یا آنها که قانون اساسی را مورد علامت سؤال قرار می دهند و آنها مطابق " موازین شرعی " نمی دانند؟ آیا ما به اهداف انقلاب خیانت کرده ایم و یا آنها که از " انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ نشینان " صحبت کردند و اکنون کاخ نشینان با و بدون ریش را بر سرنوشته انقلاب مسلط ساخته اند؟ آیا ما، که مدافع اصلاحات ارضی انقلابی و دادن زمین به دهقانان بسی - زمین و کم زمین بوده ایم و هستیم خائنینیم و یا آنها که دیگر سند مالکیت بر زمین را " پینه دست " دهقانان نمی دانند؟ آیا ما، که راه ترقی و تعالی جامعه را با تحقق عدالت اجتماعی به نفع زحمتکشان ممکن می شماریم، و یا آنها که

حتی شعار " عدالت اجتماعی " را مخالف شعار " جمهوری اسلامی " درک می کنند و هر آنکه آنها طلب کند، " تودهای " قلمداد می شود او را سرکوب می کنند؟ آیا ما، که از حق داشتن آزادی عقیده و نظر دفاع می کنیم، که از اصل ۲۳ و ۲۶ قانون اساسی پشتیبانی می کنیم خائنینیم، یا آنها، که حتی بخشی از نمایندگان مجلس را تهدید می کنند و می کوشند حق مسلم حتی نمایندگان مجلس را نیز در برابر نظر محسود سازند و باز پس بگیرند؟

نه آقایان مگلا و معم! این ما نیستیم، که خائنینیم! زیرا سیاست ما، برخلاف " سیاست " شما از ریز اول روشن، زلال و صریح بوده و هست! ما از هدف گیری ضد امپریالیستی، ضد سلطنتی، ضد سرمایه داری، ضد فئودالی و آزاد بیخش شما دفاع کردیم، آن را با تمام توان خود مورد حمایت قرار دادیم و سند افتخار خود را برای همیشه در تاریخ میهن مان ثبت کردیم!

ما به این اهداف، به خلق خواستار آن و به

آن نیروهایی که به این اهداف خیانت نکرد مانند و برای تحقق آن می رزمند، خیانت نکرد میسم و نخواهیم کرد، زیرا این اهداف، اهداف نبرد آشتی ناپذیر چندین دهه خود ما با ارتجاع و امپریالیسم بوده و هست!

خیانتکار کسی است که با تشکیل مجلس خبرگان و تصویب قانون اساسی، خود را با آن هماهنگ نشان داد، و آن روز که روز اجرای آن رسید از حرف خور عدول کرد!

خیانتکار کسی است، که قانون اصلاحات ارضی را به تصویب رساند، آن را مطابق " موازین شرعی " اعلام کرد و به اجرای آن دست زد، ولی زیر فشار ارتجاع و منافقان کلاچ زمین داری تسلیم شد، از مواضع خود دست شست و قانون را ملغی نمود!

خیانتکار کسی است، که می داند که بدون بازرگانی خارجی دولتی و کنترل دولتی توزیع داخلی و تقویت تعاونی های واقعی و نظارت بر شبکه توزیع خرده نمی تواند از غارتگری ترور - بیست های اقتصادی جلوگیری کند. آری، این راهی دانید و آن را در اصل ۴۹ قانون اساسی تصویب کرد باید ولی به آن عمل نمی کنید.

خیانتکار کسی است که اصل ۴۴ قانون اساسی را، که می تواند بند به دست کلان سرما - یه داران و بزرگ مالکان بزند و شروتهای عمومی را در خدمت خلق به کار بیندازد به مورد اجرا نمی گذارد!

خیانتکار کسی است، که شعار " آزادی " داده، عطشان خلق زیرستم شاعی را برای یک زندگی آزاد و مرفه تأیید کرد و از این طریق اعتماد خلق را بدست گرفت و اکنون که حاکم شده مواضع کلیدی را، که می توانست به کمک همان خلق حفظ کند و در خدمتش به کار گیرد، دوباره در اختیار ارتجاع، در اختیار اژداه نام آمر - یگا، در اختیار افسران ساواکی قرار داده و سیا و اینتلیجنت سرویس را بر جان و مال مردم مسلط ساخته است!

خیانتکار کسی است، که این چنین جزو بیب و وحشت را در بین زحمتکشان و مردم کوچک و خیابان برقرار کرده که دست خفقان شاهنشاهی را از پشت بسته است! خیانتکار کسی است، که حتی در شکنجه گری هم فرزند خلف محمد رضا شاه از آب درآمده! باید مطمئن بود، زحمتکشان میهن ما هر روز بیشتر کوس رسوائی خائنین به انقلاب را به صدا خواهند آورد.

حکم زحمتکشان و تاریخ!

آری خیانتکار نه آنانند، که اهداف خلق را محترم شمرند و می شمرند، بلکه آنهایی اند، که به این اهداف پشت کرد هاند و به نام " اسلام عزیز " چیزی بدتر از حاکمیت ۲۵۰۰ ساله را برای خلق به ارمغان آورد هاند، و آنهایی که دست امپریالیسم را در اقتصاد و بازرگانی کشور هر روز بیشتر و بیشتر باز می کنند و به نوای امپریالیستی خوشتر قسی می کنند!

این است حکم خلق زحمتکش و تاریخ!

اعلام جرم علیه جنایتکاران شکنجه گر دژخیم فنگت باد!

بقیه از صفحه ۱

گزارش ها یلک راست و کونه راست آویزان شده است. گوشه سمت راست دهان، به علت فلج بودن عضله قسمت راست لب، بسته نمی شود. همچنین چشم راست، به سمت راست منقبیل شده است. در فیلم به روشنی مشاهده می شود، که در اثر این صدمات براق دهان، که بخاطر تزییق و سیا خوراندن دهانای نورولیتیک بشدت جریان دارن در گوشه سمت چپ دهان جمع می شود، به نحوی که سنججه کران مجبورند برای پاک کردن بزاق دهان در ورین را از صورت فریانی خود به سمت بالا حرکت دهند تا بتوانند به دور از انتظار تماشاگران، براق دهان را پاک کنند. همچنین طبق همین گزارشها شانه راست رفیق کیانوری در عکسها نسبت به شانه چپ، حد و ده سا - نیمتر پائین تر قرار دارد، که می تواند دال بر فلجی دست راست نیز باشد. فلجی پای راست هم ممکن است، شایان توجه است، که رفیق کیانوری در تمام طول مدت " مصاحبه " که حدود نیم ساعت طول می کشد، عملا هیچ تغییری در وضع نشستن خود نمی دهد. این نکته ممکن است هم به علت تأثیر داروها و هم فلجی کامل سمت راست بدن باشد.

چگونگی پیدایش این از لارافتادگی راه پر - شان چنین توضیح می دهند: سه امکان زیر وجود دارد:

۱- ضربه به سر

۲- آمبولی چربی - این آمبولی چربی می تواند، از

جمله به این صورت ایجاد شده باشد، که در اثر ضربات، مثلا شلاق، بافت چربی صدمه بخورد و در نتیجه دیواره یاخته های چربی، پاره بشود و چربی به درون خون راه یابد. این قطرات چربی وارد شده به دستگاه گردش خون، مویرگ ها را مسدود می کنند. اگر این مویرگ های مسدود شده مویرگهای مغزی باشند، فلجی عضلات ایجاد می شود. اگر مویرگهای قلب باشند این فارتکتوس ایجاد می شود و با صدمات مشابهی به اعضای دیگر بدن وارد می شود.

۳- سومین امکان ایجاد این فلجی، می تواند به علت تزییق آمبولی هوا در رگ باشد! این شیوه که در زندانهای ایران از زمان رضا خان معمول بوده است نیز موجب آمبولیسی حباب های هوا در مویرگها می گردد و صدمات مشابهی همانند آمبولی چربی ایجاد می کند.

مردم زحمتکش ایستاد! شما هم با ما از جمعیت هلال احمر ایران به طلبید که امکان ملاقات پزشکان بی طرف بیین - المللی را برای معاینه شکنجه شدگان ایجاد کند! جمعیت صلیب سرخ بین المللی! از دولت ایران بخواهید به گروه تشکیل شده پزشکان و حقوقدانان اجازه بازدید از زندان و معاینه شکنجه شدگان را بدهد!

مردم شرافتمند جهان!

دست جنایتکاران شکنجه گر را از جان فرزندان راستین میهن کوتاه سازید!

تشکیل کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده‌ای

بقیه از صفحه ۱

پس از استماع این گزارشات، فیلم این بنا - اصطلاح "اعترافات" بنمایش گذاشته شد. آثار و اعلامی ششگانه و استعمال دارودر چهره‌ها و رفتار قربانیان این جنایت فجیح، بهت‌آور بود و بنحو خیرتکننده‌ای منطبق با علائم پس از استعمال مواد شیمیایی و داروهای مسخ‌کننده بود. کلیه پزشکان حاضر در جلسه پس از مشاهده دقیق فیلم مربوط به "اقاریر" رفیق نورالدین کیانوری، و «قایسه آن با فیلمی از ایشان که در مناظره تلویزیونی با آیت‌الله بهشتی در اوایل سال ۶۰ شرکت کرده بود، متفق القول بودند که قسمتی از صورت وی فلج شده است. علائم استعمال داروهای مختل‌کننده حواس در سایر قربانیان با کمال وضوح مشهود بود. حقوقدانان عضو هیئت نمایندگی اسپانیا ضمن خاطر نشان ساختن تشابه شیوه‌های "اقرارگیری" مقامات فعلی جمهوری اسلامی با رژیم دیکتاتوری فرانکو و اینکه آزاد یخواهان اسپانیایی توانسته بودند حتی در همان سالهای رژیم فرانکو به مسدود همبستگی جهانی، برای زندانیان سیاسی حقوق اولیه قضایی بدست بیاورند. این حقوقدانان متذکر شد که این "اعترافات" از نظر قضایی هیچگونه ارزشی ندارند. زیرا اولاً بدون رعایت ابتدایی‌ترین موازین قضایی، یعنی داشتن حق وکیل برای متهم و ثانیاً در خارج از دادگاه صالحه (بدیگر سخن در کنج زندان اوین!) وزیر شکنجه بدست آمده است. نماینده یونان که از مشاهده فیلم مذکور شدیدا متاثر شده بود، ضمن مظلوم ساختن حضار از فعالیت‌های کمونیست‌ها و دموکرات‌های یونان در دفاع از زندانیان توده‌ای و تظاهرات و راهپیمایی‌های متعدد بنفع این میهن - پرستان در آتن و سایر شهرهای انگلستان و حضور دائم آنها به نشانه اعتراض و مخالفت با اقدامات دولت ایران در مقابل سفارت جمهوری اسلامی، در یونان، گفت ما این اقدامات را تشدید می‌کنیم. به اعتقاد اعضای هیئت سوئدی فعالیت دفاع از زندانیان توده‌ای باید آنچنان وسیع و گسترده باشد که تکرار این جنایت در حق آزاد یخواهان سایر نقاط جهان را برای سیا و نوکران و فریب‌خوردگان آنها غیر ممکن گرداند. نمایش هر چه وسیعتر فیلم این "اعترافات"، بنمایش سند جنایت راستگرایان حاکم شده در جمهوری اسلامی، مطلبی بود که اکثریت قریب به اتفاق هیئت‌ها به آن تأکید کردند.

در بحث پایانی پیرامون اقدامات عملی، تصمیم گرفته شد که "کمیته بین‌المللی دفاع از زندانیان توده‌ای و سایر نیروهای دموکراتیک در ایران" از اعضای هیئت‌های شرکت‌کننده تشکیل شود که قرآن در آلمان فدرال بوده و برای هماهنگی بیشتر تماس‌های منظم بین کمیته‌های کشورهای جداگانه ایجاد شود.

نمونه‌های متعددی از مسخ قربانیان "مواد شیمیایی" سیا ساخته ذکر نمود و کهنکسی این شیوه، امیر البسم را که هدفش ایجاد آس و پد - بینی در توده‌های خلق نسبت به رهبران انقلابی است، بر ملا نمود. از مطالب قابل ذکر، فاشی آزمایشتی است که سیا با استفاده از ال.اس.دی. روی گروهی در کشور گویان، در آمریکا لاتین، انجام میداده است و بالاخره از طریق تلقین به این قربانیان همه را وادار به خودکشی نمود. و با اصطلاح اعتراف تلویزیونی یکی از رهبران جنبش انقلابی السالوادور به خطاهایش (البته خطاهای ناکرده!) و درخواست وی از جریمه‌های مبارز السالوادور برای زمین گذاشتن اسلحه و پیوستن به "گارد ملی" می‌باشد. این شیوه‌های جنایتکارانه بطور وسیع در جریان جنگ ویتنام از سوی آمریکایی‌ها مورد استفاده قرار گرفته و حتی از انسانهای مسخ شده در پناه تزیین داروهای "معجزه‌گر"، استفاده‌های جاسوسی نیز می‌شده است. در گزارش هیئت آمریایی جمع‌بندی از نظریات پزشکان متخصص بیهوشی و روانپزشکی در مورد اثرات داروهای مختل‌کننده سیستم عصبی و تغییرات حاصله در حرکات و رفتار قربانیان این متدهای "معالجه"، برای چرخش زبان قربانی خوشایند طبع در تخم، تشریح گردید.

ایرانی در سایر کشورها دعوت بعمل آورد که در تاریخ ۲۱ ماه مه ۱۹۸۲ در شهر دسلدورف آلمان فدرال حضور بهم رسانند. در این جلسه علاوه بر هیئت‌های آلمانی و ایرانی، هیئت‌های پانزده کشورهای فرانسه، انگلستان، یونان، سوئد، اسپانیا و ایالات متحده شرکت داشتند. در گزارش سیاسی افتتاحیه که از سوی نماینده حزب توده ایران ارائه شد، تحلیلی جامع و دقیق از تشریحی جدید حاکمیت کلاه مضمون آن تسلیم هر چه بیشتر عناصر و دست‌نهاد بند یهای درون حاکمیت به راستگرایان و وظائف ارتجاعی و ضدانقلابی آنهاست، ارائه شد. بر این پایه پیش بینی شد که موازی با تحکیم حکومت راستگرایان تزیینات علیه حزب توده ایران روز افزون میگردد و نه فقط توده‌های بلکه سایر نیروهای دموکراتیک مسلمان و غیرمسلمان را که قصد حفظ دستاوردهای انقلاب را داشته باشند، بر خواهد گرفت. بنابراین دفاع از قربانیان این تحولات منفی، وظیفه فوری و عاجل نیروهای هوادار دموکراسی و آزادی در سراسر جهان می‌باشد.

ژورنالست عضو هیئت آلمانی گزارشی در مورد استفاده از دارو و مواد شیمیایی بر روی مخالفین سیاسی، که در زرادخانه سیا، اینتلیجنت سرویس و موساد اختراع شده‌اند، ارائه نمود. وی

بیانیه

کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده‌ای

بدست آمده باشد، از لحاظ انسانی محکوم و از لحاظ حقوقی نیز فاقد ارزش می‌باشد. اعمال چنین شیوه‌هایی بیانگر وجود استبداد و اختناق از طرف حکومت است. در این کرد همایی هم چنین تصمیم گرفته شده که در کشورهای فوق‌الذکر کمیته‌های متشکل از روزنامه نگاران، پزشکان، حقوقدانان و سایر شخصیت‌ها، گسترش یافته و از اقداماتی که تا کنون در جهت دفاع از زندانیان توده‌ای انجام گرفته، پشتیبانی بعمل آید. همچنین قرار شد تا اگزار عمومی را هر چه وسیعتر، بخصوص از طریق کنفرانس‌های مطبوعاتی، مطلع سازند.

خواست‌های فوری کمیته بقراریزند:

- ۱- منع هرگونه بازجویی از زندانیان، مگر بر اساس شرکت وکلای مدافع
- ۲- تشکیل دادگاه‌های علنی با نظارت بین‌المللی
- ۳- معاینه پزشکی هر چه سریعتر زندانیان، تحت نظارت صلیب سرخ بین‌المللی
- ۴- منع هرگونه تحقیق نیروهای دموکراتیک در ایران و آزادی همه دستگیر شدگان

در تاریخ ۲۱ ماه مه، در شهر دسلدورف آلمان فدرال، طی یک گرد همایی بین‌المللی که مرکب از نمایندگان احزاب و سازمانهای دموکراتیک، حقوقدانان، پزشکان و روزنامه نگاران کشورهای: آلمان فدرال، فرانسه، انگلستان، یونان، سوئد، اسپانیا، ایالات متحده و ایران بود، کمیته‌ای بمنظور دفاع از رهبران و اعضای دستگیر شده حزب توده ایران و سایر نیروهای دموکراتیک در ایران تشکیل شد.

طبق تشخیص پزشکان حاضر در جلسه و نیز طبق نظر دیگر شرکت‌کنندگان در گرد همایی که با مشاهده نوار تلویزیونی با اصطلاح "اعترافات" دستگیر شدگان با وضع زندانیان آشنا شده بودند، احتمال استفاده از دارو به میزان زیاد جهت خرد کردن شخصیت قربانیان، قریب به یقین است.

شرکت‌کنندگان در گرد همایی مشتدند که احتمال اینکه عدای از زندانیان قبل از هرگونه محاکمه - ای قتل رسیده باشند و سایرین نیز بقتل برسند، زیاد است. "اعترافات" که با سوء استفاده از دارو

گسترش همبستگی بین المللی در دفاع از حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

می باشد. در زیر بخشهایی از نامه جمعیت آلمانی هواداران صلح " در کارلسروهه از نظر خوانندگان " راه توده " می گذرد:

" ما با نگرانی و تأثر، رفتار مقامات امنیتی ایران با اعضا در بند حزب توده ایران را تعقیب می کنیم و " اقرار بر " اخذ شده از این مبارزین در زیر شکنجه های وحشیانه را توهینی به افکار عمومی بین المللی تلقی کرده و آن را سلاحی کهنه و ارتجاعی می دانیم. ما که پیروزی انقلاب در ایران و تحولات بعدی آنرا همواره با علاقه دنبال کرده ایم، نمیتوانیم در برابر این جنایات

۱- بدون درنگ با اعمال سرکوبگرانه بر علیه حزب توده ایران پایان دهد.

۲- به کمیونی بین المللی مرکب از یز شکان و حقوقدانان اجازه داده شود که در مورد رفتار نامورین رژیم قدیم با زندانیان تحقیق بعمل آورد.

ایتالیا

روزنامه اوتیا خبری درباره ملاقات انتونیو روسی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا و رئیس شعبه بین المللی آن حزب با نمایندگان حزب توده ایران در ایتالیا منتشر کرد.



شکنجه گران در صددند بنمظور برده پوشی بر راز این نمایش حیوانی، قربانیان خود را تا بد خاموش سازند

هفتمین کنگره حزب کمونیست نارگری سوئد که راسته پلم برگزار شده، بمناسبت اعلام انحلال حزب توده ایران و دستگیری و شکنجه گران درگیری حزب و بازداشت تعداد بیست و نه نفر از اعضای آن قطعنامه ای اعتراضی در این زمینه بتاريخ ۲۱ ماه مه با تفاق آرا بتصویب رسانید. متن آن چنین است:

" جرم حزب توده ایران اینست که طی تاریخ چهل ساله اش راسخترین نیروها در سارزه برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در کشور بوده است و جمهوری اسلامی مجازاتی علیه این جرم تعیین کرده که عبارتست از: غیرقانونی کردن فعالیت حزب، زندان، شکنجه و تعقیب گسترده کادرها، اعضا، هواداران و سایر نیروهای ضد امپریالیست و میهن پرستی که به آنان برچسب تودهای زده می شود.

پس از پخش صحنه های بس حیرت انگیز " اقرار بر " که بکلمه متدهای دقیق شکنجه های جسمی و روانی، کسب شده است، اکنون شکی باقی نماند که جان رهبران حزب شدیداً در خطر است.

شکنجه گران در صددند که بنمظور برده - پوشی بر راز این نمایش حیوانی، قربانیان خود را برای اید خاموش سازند. ما نمایندگان احزاب و سازمانهای برادر که بعنوان میهمان در این کنگره حضور داریم، فشار و تضيیقات وارده به حزب توده ایران را که " متناد با کلیه موازین حقوقی و ارزشهای انسانی می باشد شد - یدا محکوم می کنیم. ما رفتار وحشیانه جمهوری اسلامی را با حزب توده ایران، برنامه طراحی شده امپریالیسم آمریکا میدانیم که هدف نهایی آن غرق کردن زمینه برای پراماند- احتن جنگ صلیبی علیه اتحاد شوروی و ناپودی صلح جهانی می باشد. ما از جمهوری اسلامی میخواهیم که:

سکوت اختیار کنیم. از نظر ما رفتار مقامات جمهوری اسلامی یا این قهرمانان بیگانه بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه، ضد بشری و شرم آور است.

توجه داشته باشید که رفتار اینچنانی شما با مبارزین در بند توده های، که نظر همه دموکراتهای جهان را بخود جلب کرده است، چگونه به حیثیت جمهوری شما لطمه وارد ساخته و خاطرات پیگرد های پلیسی دوران حکومت شاه را در آنان زنده می سازد. این متدها بنفع دولت شما نیست! بنابراین هر چه زودتر در خاتمه دادن به شکنجه ها و آزادی این افراد اقدام کنید! نامه فوق از طریق سفارت ج ۱۰۱۰ به مقامات مسئول کشور ارسال گردیده است.

در نامه اعتراضی " سازمان ضد فاشیستها " پس از ابراز نگرانی بخاطر دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا حزب توده ایران، آمده است:

" همانگونه که اطلاع دارید، سازمان مادریر- گیرنده قربانیان فاشیسم هیئتتری می باشد، بسیاری بقیه در صفحه ۵

آنتونیو روسی بنام حزب کمونیست ایتالیا اقدامات تضيیق امیز مقامات ایرانی را که، حزب توده ایران را منحل اعلام کرده و رهبران آنرا بازداشت نمودند، شدیداً محکوم کرده و همبستگی کمونیستهای ایتالیا با اعضا و رهبران حزب توده ایران که به زندان افکنده شده اند، ابراز داشت.

نمایش " اقرار بر " اخذ شده در زیر شکنجه توهینی به افکار عمومی جهان است

از جمله سازمانهای دموکراتیک و مترقی که بر علیه دستگیری و شکنجه های وحشیانه رهبران و اعضا حزب توده ایران، با اعتراض روسی دست برده اند، شعب مختلف " جمعیت آلمانی هواداران صلح " و " اتحادیه ضد فاشیستها "

گسترش همبستگی بین المللی...

بقیه از صفحه ۴

از اعضاء این سازمان، در این دوران در زندانها و بازداشتگاهها بسر بردند. در آن زمان، اولین پیگرد ها چند هفته پس از به قدرت رسیدن فاشیسم در آلمان، در فوریه ۱۹۳۳، بچرم دروفین آتش زدن رایشستاگ بوسیله کمونیستها، بر علیه آنها آغاز شد و کمونیستها اولین قربانیان فاشیستها بودند. و همانگونه که بعدها باثبات رسید، این آتش سوزی را خود فاشیستها بسراه انداخته بودند، تا باین بهانه به تعقیب کمونیستها بپردازند.

تاریخ بما آموخته است، که کمونیستها در همه نقاط جهان، پیگیرترین و وفادارترین مبارزین راه آزادی بوده اند و کمونیستهای ایران همیشه در کشورشان بر علیه جور استبداد مبارزه کرده و بر علیه رژیم سفاک شاه در صفا اول رزمیده و در راه قربانیان فراوانی داده اند.

تعقیب و آزار کمونیستها درج ۱۰۱۰ به محو هر گونه آزادی خواهد انجامید و تنها به نفع نیروهائی است که دراز بین بردن دستاورد های انقلاب و تبدیل دیواره کشور به پایگاه آمریکا، ذی فتنند.

فستیوال جوانان در آلمان فدرال:

عرصه ای برای

همبستگی با حزب توده ایران

در روزهای یکشنبه ۲۲ و دوشنبه ۲۳ ماه مه شهر دورتوند آلمان فدرال شاهد نمایش باشکوهی از اراده جوانان این کشور در دفاع از صلح، دموکراسی، دوستی ملل و همبستگی بین المللی بود. بیش از ۲۵۰ هزار نفر با شرکت در فستیوال جوانان ۸۳ " که از سوی " سازمان کارگران جوان سوسیالیست آلمان " و " اتحادیه دانشجویان مارکسیست اسپار تاگوس " دد و روز متوالی این فستیوال را به عرصه دیگری از نبرد مردم کشورهای سرمایه داری علیه فاشیسم، و زورگویی و جنگ افزوی انحصارات امپریالیستی تبدیل کردند. این فستیوال در عین حال، نشانگر همبستگی استوار نیروهای جنبه جهانی ضد امپریالیستی بود. دهها گروه و سازمان و حزب کمونیستی و تارگری مترقی از سراسر جهان با شرکت در این جشن باشکوه اراده را بخ خود را به اتحاد در مبارزه علیه امپریالیسم و برای صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی به منصفه ظهور رساندند.

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال نیز با شرکت فعال در این جشن، در کنار سایر نیروهای ضد امپریالیستی و مترقی سهم خویش را در برگزاری هرچه باشکوهتر فستیوال جوانان ایفا کردند. علاوه بر این، در این جشن فعالیت

افکار عمومی جهان هراسی ندارند، چرا به هیأت های متعددی که آمادگی خود را برای سفر به ایران اعلام کرده اند اجازه ورود به ایران رانی دهند؟

یکی از جلوه های همبستگی پرتوان بین المللی با حزب توده ایران، سخنان پرشور رفیق هریسرت میس صدر حزب کمونیست آلمان در دفاع از حزب توده ایران بود. رفیق هریسرت میس که در حضور صد ها نفر از شرکت کنندگان در جشن به سئوالات حضار پاسخ می داد، در پاسخ پرسشی گفت:

" اولاً باید تأکید کنم که حمایت قاطعانه، پیگیر و نامحدود ما از حزب توده ایران و همچنین همه نیروهای چپ ایران که تحت فشار و تضييق هستند بقوت خود باقی است. در رابطه با انقلاب ایران نیز، ما از آغاز این انقلاب با توجه به ماهیت ضد امپریالیستی و دموکراتیک آن پشتیبانی بعمل آوردیم و امیدوار بودیم که این انقلاب پیروز شود و به ما هداف خود برسد. متأسفانه اخیراً حاکمیت ایران روز بروز نیروهای نفوذ بیشتری پیدا می کنند که بجای بر آوردن خواست های مردم، در دشمنی گوی خود با کمونیسم پیرو و اشتگتن شده اند، و این به روند انقلاب جهانی زبان می رساند "

این سخنان با ابراز احساسات پرشور و شعارهای " زنده باد همبستگی بین المللی " استقبال گردید.

بقیه در صفحه ۱۶

۷ پزشک متخصص و یک حقوقدان آمادگی خود را برای بازدید از زندانیان توده ای و شرکت در دادگاههای علنی آنان اعلام داشتند

حد اقل مواد لازم غذائی و کمکهای داروئی ابتدائی ترین حقوق فردی شناخته شده از جانب مجامع بین المللی، اطمینان حاصل کند. این هیأت، سپس آمادگی خود را برای عزمیمت بایران، در تاریخ بیست و پنجم ماه مه اعلام داشته و تقاضای کسب اجازه ورود بایران و بازدید از زندانیان را دارد.

امضا کنندگان نامه بقرار زیرند:

- دکتر ن. آگارین، متخصص اعصاب
- دکتر ف. سولر، ستاتور سابق بارسلون
- دکتر آ. میرادا، نایب رئیس سابق مجمع پزشکان
- دکتر م. بروخی، رئیس آکادمی پزشکی
- دکتر س. دکسشم، مدیر انستیتوی پزشکی زنان
- دکتر خ. کورومیناس، استاد دانشگاه بارسلون
- دکتر خ. کوریل، دارنده سابق کرسی دانشکده پزشکی
- دکتر ف. گونزالس ساستره، دارند فکری دانشکده پزشکی
- دکتر آ. پوئیگورت، مدیر انستیتوی تخصصی کلیه و مجاری ادرار
- لوئیس سالوادورس ورد اسکو، وکیل دعوی

تبلیغی و دفاعی وسیعی بنظور جلب حمایت هر چه گسترده تر بین المللی از حزب توده ایران و انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران انجام گرفت و با بازتاب بسیار مثبتی نیز مواجه شد. هزاران نفر از شرکت کنندگان در جشن با امضا کردن فراخوان احزاب کمونیستی و تارگری در دفاع از حزب توده ایران و برای آزادی رفیق نورالدین گیانسوری دبیر اول کمیته مرکزی و سایر رهبران و اعضاء دستگیر شده حزب توده ایران و رفع تضيقات از نیروهای مترقی ایران، این خواستها را تأیید نمودند.

نکته دیگری که در مرکز توجه همه شرکت کنندگان در جشن که همبستگی خود را با حزب توده ایران نشان دادند قرار داشت، تأکید بر خواست عنوان شده توسط دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران مبنی بر صد وراچای از طرف مقامات ایران برای سفر یک هیأت ناظر، بیطرف و بین المللی متشکل از حقوقدانان و پزشکان متخصص و وارد در امر ششجه های جسمی و روانی، ملاقات این هیأت با اسرای توده ای و روشن شدن چگونگی دریافت باصطلاح " اعترافات تلویزیونی از قربانیان این توطئه شوم بود. شرکت کنندگان در جشن می پرسیدند اگر حاکمیت ایران از افشا شدن در پیشگاه مردم ایران و

بارسلون - هیأتی مرکب از ۷ پزشک متخصص، یک سناتور، یک استاد دانشگاه و یک وکیل دعوی سرشناس در نامه ای به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران ارسال داشتند، پس از ابراز نگرانی از پیگرد رهبران و اعضاء حزب توده ایران، می نویسند:

" از بازدید این افراد بیش از ۱۰۰ روز میگذرد، بدون اینکه در این مدت از آنان خبری در دست بوده و بایشان امکان استفاده از حقوق قضائی داده شده باشد - اطلاع از مسأله " اعترافات " ما را سخت نگران ساخته است - ما به تأثیرات خطرناک زندان انفرادی طولانی و انزواي محض واقف هستیم و متدعائی را که هنوز بقیاس گسترده ای در مورد زندانیان اعمال میشود و مردم اسپانیا، در دوران فاشیسم فرانکو طعم زجر آور آنها چشید ه اند، می شناسیم و از طریق نشریات کشورهای مرتباً در جریان اخبار متوسط به بازداشت شدگان هستیم، ما از دولت جمهوری اسلامی ایران میخواهیم که به هیأتی مرکب از حقوقدانان، پزشکان و روانپزشکان اجازه ورود به ایران و بازدید از زندانیان را بدهد تا بتوانند وضع آنان را از نظر جسمی و روانی و حقوقی بررسی نموده و از برخورداری آنان از

نامه سرگشاده یک حقوقدان آلمانی به مقامات جمهوری اسلامی ایران

یت های ناشی از آن را به عهده گرفت . جهت اطلاع خوانندگان " راه توده " متن کامل نامه کارل هاینتس وایدن هامر را در زیر می آوریم :

" هنگامیکه بد نیال در رگیریهای شهر ماینس ، عد های از دانشجویان ایرانی ، روانه زندان شدند بی درنگ تصمیم به دفاع از آنان گرفتم ؛ زیرا معتقد بودم ، زمینه این برخورد های خشن ، رابطه مستقیم با انقلاب ایران دارد و یک دستگاه عظیم تبلیغاتی ، از رادیو و تلویزیون و مطبوعات گرفته تا سیاستمداران محافظه کار ، پلیس ، دستگاه قضایی و ضد انقلابیون فراری همدل و همزمان بر علیه روند پرمشقت و ایثار انقلاب ایران به لجبازی پراکنی پرداخته و قایح ماینس و کیسن ، تنهائی به انهای بیش نبود . فکر می کنم که با برخورد همبستگی و انتقاد خود نسبت به انقلاب ایران این اجازه را داشته باشم که در مورد جریانات اخیر آشور شما ، بد وراز شک و شبیه ، مواضع مخالفی اتخاذ کنم . طی چهار رسالی که از پیروزی انقلاب در ایران میگذرد ، برای العین دیدم که نیروهای مترقی آلمانی و ایرانی ، بخصوص حزب توده ایران ، در مقابل این روند ، موضع اتحاد - انتقاد داشته و تحت جو فشار تبلیغاتی گسترده و بی نظیری که علیه انقلاب ایران دامن زده میشد ، سعی میکردند موضع صحیح روشنگرایانهای در این مورد ، چه در ایران و چه در خارج ، داشته باشند . اعضا و هواداران حزب توده ایران ، مدافعین خستگی ناپذیر روند تحولات تاریخی عظیم کشورشان در خارج - و همچنین علیرغم وسعت پیگرد ، در داخل - بوده و هستند . ولی جریانات یکسال و نیم اخیر نشان داد که چگونه دشمنان انقلاب موفق به جلوگیری از اجرای اصلاحات سازنده گردیده اند . آنچه را که محافل پیرامون بازرگان و سپس بنی صدر موفق بانجام آن نشدند ، راستهای افراطی و نیروهای ارتجاعی با نقاب اسلام بمرحله اجرا در آوردند . درحالی که کارگران ، دهقانان و بطور کلی زحمتکشان ، در اثر جنگ تحمیلی فرسوده میشوند و تجسار بزرگ بازار ، کارفرمایان و بزرگ مالکان ، همچنان به استثمار آنان ادامه میدهند ؛ صاحبان ثروت در کالبد نمایندگان خود در مجلس در دستگهای امنیتی و قضائی و در کلیه نهاد های دولتی دیگر دست به سازماندهی زده و قدرت سیاسی و اقتصادی خود را تثبیت و تحکیم میکنند . در حالیکه طرفداران سابق شاه و ساواکیهای قدیمی ، گروهی از زندان آزاد و به " اسلام " میگردند ، آن بخش از نهاد های امنیتی ، ویژه سرکوب کمو - نیستها با استرکتور دست نخورده ، دوباره به کار گمارده میشود و فراریان به کشور بازگشته و

" اعترافات " بی به عمق جنایت مرتکبه برده بود ، نگرانی عمیق خود را از شکست احتمالی انقلاب ابراز داشته ، خطاب به مسئولین جمهوری می نویسد : " شرم آور است که در ریوق و کرنای ارگانهای خبری جمهوری اسلامی ، متدهای شکنجه ساواک ، به عنوان مظاهر پیروزی بزرگ انقلاب ، دیده می شود ، در حالیکه این اعمال در حقیقت سند محکومیت آتایان و مرگ انقلاب می باشد . اقتار عمومی در ایران و جهان ، به ماهیت چنین " اعترافات " واقف است "

کارل هاینتس وایدن هامر ، همان وکیل مدافعی است که در زمان حمله گروهک های ضد انقلاب - ساواک به هواداران انقلاب ایران در آلمان فدرال ، وظیفه دفاع از دانشجویان مسلمان هواداران انقلاب و دیگر هواداران انقلاب ، در مقابل خطر اخراج از این کشور و دیگر محدود -

توطئه شوم " اعتراف گیری " عمال سیا و جار و جنجال تبلیغات ضد توده های و شوروی ستیزی که از طرف مقامات جمهوری اسلامی ایران بسراه افتاده است ، با اعتراض شدید افکار عمومی جهان مواجه شده است .

موج همبستگی احزاب کمونیست و کارگری ، سا - زمانها و شخصیت های مترقی جهان با حزب توده ایران هر روز ابعاد بیشتری بخود گرفته و جنایت انجام شده در حق رهبران حزب توده ایران بشدت محکوم میگردد .

کارل هاینتس وایدن هامر که یکی از وکلای مترقی آلمان فدرال است ، از جمله شخصیت هایی است که در نتیجه روشنگریهای حزب توده ایران بی به ماهیت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایران برده و همواره از آن دفاع کرده است . کارل ها - ینتس وایدن هامر که با مشاهده نمایش مسخره

سخنی درباره ایجاد "وزارت اطلاعات"

آشکارتر و محسوس تر می شود . همین اخیرا گفته شد که جنگ روزانه صدها میلیون مخارج دارد . طبیعتا این مخارج وضع مردم را که در جنگال بیگاری گرفتارند ، بیش از همیشه غیر قابل تحمل کرده است . از یک طرف در نتیجه جنگ - سرو - تمندان و تلان سرمایه داران ، هرروز بحساب مردم ، میلیونها به جیب می زنند ، و از طرف دیگر گروه گروه فرزندان همان مردم محروم کشته می شوند . این یتنی از دلایل اصلی است که باعث شده مردم دست به اعتراض بزنند .

عدم اجرای اهداف انقلاب ، انحراف از اصول قانون اساسی ، محدود کردن آزادی های مردم ، دفاع از کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی ، و باز گرداندن سلطه امپریالیسم به اشکال مختلف ، چهره بسیاری از مقامات را برای مردمی که برای مدت طولانی به آنها اعتماد کرده بودند ، افشا کرده است .

در چنین شرایطی است که وزارت اطلاعات با هدف مقابله با مبارزه مردم بخاطر احقاق حقوق خود و تحقق اهداف ضد امپریالیستی و مردمی ایران تشکیل می شود . آنها می که خود را مسلط به اوضاع می بینند ایجاد این وزارتخانه را اعلام کرده اند . طبیعی است که قبل از اعلام تشکیلات این وزارتخانه ایجاد شده بود . استفاده دولت از عوامل ساواک علیه اعضا و رهبران حزب توده ایران نشاندهنده این واقعیت است که کارکنان ساواک نه تنها در فعالیتهای ایمن وزارتخانه شرکت دارند ، بلکه بمنظور تحقق اهداف توطئه آمیز راستگرایان در جمهوری اسلامی ایران و خفه کردن نیروهای انقلابی - واقعی نیز بکار گرفته شده اند .

بگزارش روزنامه ها و رادیو و تلویزیون ، مجلس شورای اسلامی لایحه ایجاد " وزارت اطلاعات " را تصویب نمود . علت ایجاد وزارت اطلاعات در این زمان ، که پنجمین سال پیروزی انقلاب آغاز شده است چیست ؟ یکی از علل این امر این است که مسئولین امور از افزایش نارضایتی در میان توده های میلیونی نسبت به دولت جمهوری اسلامی که تا کنون کوچکترین گامی در جهت اجرای اصلاحات بنیادین برنداشته است ، نگرانند . مقامات تا کنون در جهت مشغول کردن مردم با شعارهای مبهم و وعده های بی زمینه و بیوچ به منظور منحرف کردن اذهان آنها از مسایل اصلی گوشا بجهاند . اما آنها می دانند که مردم در جریان مبارزه روزمره خود ، هر روز بیشتر از سوء استفاده مقامات از اعتمادشان ، آگاه می شوند .

مردم می بینند که افسانه حمایت ستارز مستضعفین هد فی جز فریب آنها ندارد . همه کس می بیند که شعار مبارزه با آمریکا در حدد همان شعار باقی مانده و محتوی واقعی خود را در عمل از دست داده است . همه کس می بیند که دولت نه تنها از نابودی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی حمایت نمی کند ، بلکه سعی دارد آنرا حفظ نموده و قانونی نماید ، بطوریکه هر مبارزهای علیه استثمار و غارت سرمایه داری گناه و جرم بحساب آید . از طرف دیگر بمنظور مخدوش کردن حقایق و دور کردن افکار عمومی از مسایل اصلی و پیچیده ، جامعه ما ، حاکمیت جمهوری اسلامی جنگ را با پیگیری شدید ادامه می دهد ، تا بتواند بنحوی فقر ، محرومیت و بیگاری موجود را توجیه کند . نتیجه زیانبار ادامه جنگ روز بروز

چرخش بسوی "شیطان بزرگ"

تروریسم عیان و افسار گسیخته حاکم بر کشور، هیستری ضد کمونیستی عربان و مذبحخانه که سالهای اخیر با حدت و شدت روز افزونی جریان داشت و به موج بی سابقه دستگیری جمعی اعضا و رهبران حزب تسوده ایران، جرح و ضرب و قتل توده ایها در خیابانها و آتش زدن خانه و کاشانه آنان و بالاخره بنار گرفتن سیاست ترور و اختناق به ارث مانده از رژیم مطرود پهلوی به صورت انواع وحشیگری و سفاکی های قرون وسطائی و اعمال شیوه های فاشیستی بقصد اخذ "اعترافنامه" به منظور غیر قانونی اعلام کردن فعالیت علنی حزب تسوده ایران منجر گردید، پدیده نوین و تصادفی نیست.

رویداد های سالهای اخیر، که اینک بسا وورش سبعمانه به حزب تسوده ایران به نقطه غلیان رسیده و از مایه های ارتجاعی و قشری نشأت می گیرد، نشانگر آغاز این چرخش خطی به سوی امپریالیسم و تأسی از ایصال و اشنگتن است، که ضد انقلاب، راستگرایان و عمال امپریالیسم بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی، در قالب "کودتای خزنده" با لجاجت و بیگیری تدارک دیدند. هدف، هموار ساختن راه ادامه نظام منحوس حاکم در دوران رژیم منفر شاه، با کلیه عواقب ایران بر باد ده آن در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. به بیان دیگر منظور مجریان "کودتای خزنده"، که از حمایت مادی و معنوی امپریالیسم به سرگردگی امپریالیسم آمریکا بهره می گیرند، تحقق آمال انحصارهای چند ملیتی، یحیی احیای کامل بهره کشی نواستعماری از منابع انسانی و طبیعی ایران و تبدیل کشور به زانده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی و مالا ایدئولوژیک سیستم سرمایه داری جهانی است.

در این روزها، که مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی سخت سرگرم تغذیه بلندگوهای ضد کمونیستی در سراسر جهان اند، در توجیه اعمال قبیح "پرونده سازی" علیه حزب تسوده ایران، به سیاست "نه شرقی نه غربی" استناد می کنند. ولی مردم ایران شاهد آنند که سیاست "نه شرقی، نه غربی"، عملاً شکل اسلامی سیاست "ناسیونالیسم مثبت" شاه از کار در می آید؛ سیاستی که باید راه را برای بازگشت انحصارهای چند ملیتی، برای سرکوب نهائی هر گونه جنبش، هم در ایران و هم در منطقه، هموار سازد. تنها فرق این دو سیاست در آن است، که اگر شاه سیاست ضد ملی خود را به کسوت ناسیونالیسم آراسته بود، زمامداران کنونی آن را در پشت حجاب اسلامی از انظار "نامحرمان" پنهان داشته اند.

یک نگاه حتی اجمالی به آنچه در صحنه سیاسی ایران و نیز در عرصه بین المللی می گذرد، می تواند علل و عوامل زمانی زاینده اوج هیستری

ضد توده های، ضد کمونیستی و ضد شوروی، نوپسندی کنونی دقیقاً سازمان یافته بدست عمل داخلی و خارجی امپریالیسم را عیان سازد. هنوز چند ساعتی از دستگیریهای جمعی نگذشته بود، که دادستان کل انقلاب اسلامی با زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین موازین قضائی و حقوقی، برچسب از قبل آماده "جاسوسی" را به تقلید از ساواک بنار گرفت. لذا از همان ساعات نخست روشن شد، که یگانه راهنمای مجریان سناریوی "شکار جاسوس"، جلب عواطف و الطاف امپریالیسم و ذر وهله نخست امپریالیسم آمریکا است. بدینسان بار دیگر مبارزه با حزب تسوده ایران به حربه "کسب سرمایه" سیاسی مشکوک تبدیل گردید.

سرکوب حزب توده ایران به قصد دلجوئی از ضد انقلاب و امپریالیسم

آقای مهدوی کنی دبیر کل جامعه روحانیت مبارز تهران، "عضو فقهای شورای نگهبان و سخنگوی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، در تبرئه جنایت نوپسندی، به همان حربه کهنه و رسوای ساخت آمریکا توسل جست، که در تاریخ اخیر نهضت جهانی کمونیستی و کارگری، بی سز در کشورهای رشد یافته، بارها از مدک آزمایش گذشته و هر بار نیز با شکست مفتضحانه روبرو شده است. وی از جمله از "مدارکی" یاد برد، که گویا مقادیر اطلاعاتی چهار سال آرنگار سرگرم جمع آوری آنها، برای غیر قانونی کردن حزب تسوده ایران بودند، غافل از آنکه حناهای آقایان مدتها است که دیگر رنگی ندارند. اکنون در ایران و سراسر جهان کمتر کسی را می توان سراغ داشت، که "مکانیسم" جاسوس تراشی "در سلولهای زندان بنام زادگاههای انقلاب اسلامی" بی خبر باشد. انواع شکنجه های سیمانه و سادیم گروهی از "حکام شرع" به اندازهای افشا شده، که حتی برخی از مطبوعات بورژوازی "استدلال" حکام ایرانی را زیر سؤال می برند، گرچه عمل زمامداران جمهوری اسلامی را می ستایند و در اشاعه آن از هیچ کوششی دریغ ندارند.

هنگاری گسترده و همه جانبه رسانه های گروهی امپریالیستی و بلندگوهای تبلیغاتی جهان غرب و از آنجمله "صدای آمریکا"، "بی بی سی"، "صدای اسرائیل" و نیویورک دستگا های لجن پراکنی تحت نظارت مستقیم سیا، از قبیل "صدای وطن" و "انواع" صدای های آزاد"، دلیل انکار ناپذیر دیگری در تائید نظر ما پیرامون ماهیت حقیقی سیاست باصطلاح "نه شرقی، نه غربی" است. مگر نه اینست که وحدت گفتار، نشانگر وحدت کردار است؟ تنها هدف مشترک، تشابه نظر، همسانی آرمان می توانست صفحات گران قیمت روزنامه ها و مجلات ارتگانهای

انحصارهای سرمایه داری را در اختیار سران جمهوری اسلامی قرار دهد. اینهم د و نمونه مشخص در تائید گفتار ما، روزنامه "دی ولت" ناشر افکار ارتجاعی ترین جناح امپریالیسم آلمان غربی، در شماره ۶ ماه مه ۱۹۸۲ به خوانندگان مژده می دهد، که بالاخره صفت "شیطان بزرگ" از آمریکا سلب و به اتحاد شوروی اطلاق گردید. روزنامه پس از یادآوری اعلام غیر قانونی شدن حزب تسوده ایران و اتهامات وارده به آن می پرسد: آیا چرخش (جمهوری اسلامی) در سیاست بین المللی است؟ نویسنده از پاسخ صریح به این سؤال پرمعنا ظفره می رود. ولی با خوشحالی فراوان محکومیت کمونیستها و تیره تر شدن هر چه بیشتر روابط بین ایران و اتحاد شوروی را پیش گوئی می کند. او، از اینکه جمهوری اسلامی بسوی "ملحدین کمونیست" که "انترناسیو- نالیست و لنینیست اند" و با اتحاد شوروی اظهار همبستگی می کنند شلیک می کند، سرازیر نمی شناسد.

"دی ولت" برای اینته نقش دولست آلمان غربی را نیز در این "بازی مفتضحانه سیاسی" یاد آور شده باشد، ماجرای صادق طباطبائی را یاد آور می شود. روزنامه در ارتباط با دستگیری وی در ۸ ژانویه ۱۹۸۲، در فرودگاه دوسلدورف، که مقارن با آغاز تدارک حمله به حزب تسوده ایران بود می پرسد: آیا در چندان وی علاوه بر مواد مخدر، اطلاعاتی نیز نبوده است؟ در این مورد نیز نویسنده "دی ولت" به طرح سؤال قناعت کرده و مضمون اطلاعات نامبرده را فاش نمی سازد. ولی حتی طرح سؤال از جانب روزنامه وارد به اسرار پشت پرده نشانگر آنست که زیر گامه نیم گامه ای بوده و آقای طباطبائی حامل پیامی دربار "چراغ سبز دادن به آمریکا" بوده است.

چند روز بعد، این بار مجله آمریکائیسی "نیوزویک" در شماره ۱۶ ماه مه ۱۹۸۲ رضایت انحصارهای آمریکائی را از یورش در منشانه به حزب تسوده ایران و غیر قانونی کردن فعالیت علنی حزب در صفحات خود منعکس ساخت. "نیوزویک" نیز همانند "دی ولت" از اینکه زمامداران ایران مسکورا بجای آمریکا زیر ضربت قرار داده اند، اظهار خرسندی می کند.

هیستری ضد کمونیستی و ضد شوروی کنونی در جمهوری اسلامی با رویداد های عرصه بین المللی چنان گره خورده، که نمیتوان آنرا با توسل به سیاست "نه شرقی، نه غربی"، از انظار توده های زحمتکش میهن ما پنهان کرد. در جهان معاصر دو جبهه متضاد روی در روی هم قرار دارند - جبهه نیروهای ضد امپریالیستی، مبارزین راه آزادی و استقلال و ترقی بقیه در صفحه ۸

چرخش بسوی "شیطان بزرگ"

بقیه از صفحه ۷

اجتماعی از سوئی و نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی، دشمنان سرکند خورده خلق‌های مظلوم و مستعبدیده از سوی دیگر، جبهه سیم و یسا بینابینی که زمامداران جمهوری اسلامی ایران مدعی رهبری آنند، وجود نداشته و نمی‌تواند داشته باشد.

جنگ صلیبی آقای ریگان و جهاد ضد توده‌های این آقایان

رونالد ریگان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، که در رأس سیاه‌ترین نیروهای ارتجاعی جهان عرض اندام می‌کند، در سفر خود به اروپای غربی، به‌بنگام سخنرانی در پارلمان انگلیس، نخستین بار در کترین نوبن جبهه ارتجاع و امپریالیسم دایر به اعلان "جنگ صلیبی" علیه کمونیسم، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، رسماً اعلام کرد. دشمن نوبن در عین حال بیانگر سیاست تجاؤز کار امپریالیسم علیه گلیه کشورهای بود، که در راه آزادی و استقلال اقتصادی مبارزه می‌کنند. چندی پیش رونالد ریگان طی سخنرانی در برابر اعضای "جمعیت ملی پیروان انجیل" در شهر ارلاند و (ایالت فلوریدا)، کوشید به دشمن نوبن ضد بشری ظاهری مذهبی دهد. وی بی‌شرمانه، ضرورت "جنگ صلیبی" علیه کمونیسم را با "مبارزه بین خیر و شر، بین عدالت و ناعدالتی" پیوند زد. به ادعای ریگان "شر در جهان معاصر" نه امپریالیسم خونخوار آمریکا، بل اتحاد شوروی و کمونیسم است. او گفت، مادامیکه در جهان چنین شری وجود دارد "ما باید طبق فرمان کتاب مقدس و عیسی با تمام قوا در برابر آن ایستادگی کنیم".

رسانه‌های گروهی جهان غرب در تفسیر "دکترین نوبن" ضد بشری ریگان که تحت پوشش مذهبی "ارائه گردیده نوشته‌اند که او "مؤمنان متعهد" را به جهاد فرا می‌خواند و "جنگ مقدس" را جانشین "جنگ سرد" می‌سازد. در پاسخ به فراخوان رونالد ریگان، "مؤمنان متعهد" در کشورهای عشر ناتو، ماشین‌های تبلیغاتی را به راه انداختند. تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی مقیاس بی‌سابقه‌ای یافت. سناریوی "سید جاسوس" در برخی از کشورهای امپریالیستی روی صحنه آمد. عالیشان، اینتلیجنت سرویس، موساد و غیره فعالیت چشمگیری را در کشورهای رشد یافته، در جهت اجرای برنامه‌های مشابه شروع کردند. آیا می‌توان همزمانی اوج هیستوری توده‌های ستیزی و شوروی ستیزی در جمهوری اسلامی را با اعلام "جنگ صلیبی" رونالد ریگان تصادفی نامید؟ کتمان این حقیقت با توسل به انواع پراهمین پیش پا افتاده، ناممکن است. آقای مهدوی کئی، در پاسخ به "ایراد" آنانیکه مدعی‌اند، گویا اتهام بی‌شمارانه به حزب

توده، ایران از سالها پیش می‌رهن و مسلج بود، اظهار داشت که زمامداران جمهوری اسلامی سرگرم جمع‌آوری "مدارک و اسناد" بود. دند "دبیر جامعه روحانیت مبارز تهران" به چه کسانی پاسخ می‌دهد؟

باید یاد آور شد، که مطبوعات ضد انقلاب که در خارج انتشار می‌یابد و نیز دستگاه‌های سخن‌پراگنی آن‌ها، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، با الهام از اربابان خود، نسخه "نفوذ" اعضای حزب توده، ایران را در "مقامات حساس" ساز کردند. ناگفته نماند، که مقامات دولتی در دیگر کشورهای "اسلامی" همانند ترکیه و پاکستان هم، در این مدت بیگار نشستند و گاه و بیگاه "نگرانی" عمیق خود و اربابشان "شیطان بزرگ" را پیرامون به اصطلاح نفوذ حزب توده، ایران، گوشزد می‌کردند.

آقای مرتضی نبوی وزیر مخابرات، در مصاحبه با مجله "پیام انقلاب" درباره سفرش بنه ترکیه از جمله گفت که در ملاقات با نخست‌وزیر ترکیه، وی "و نمود می‌کرد که احتمالاً یک خطری از جانب توده‌های ما وجود دارد، ما برای آنها توضیح دادیم "که هیچ گونه "خطری از این جانب نمی‌تواند ما را تهدید کند. آنچه در ایران حکومت می‌کند اسلام است و بس...". (شماره ۵۴، سال ۱۳۶۰، ص ۶۰)

نخست‌وزیر ترکیه که علناً در امور داخلی ایران (بدون روبرو شدن با اعتراض وزیر متعهد کابینه) دخالت می‌کرد، نگرانی چه کسانی را جز اربابان آمریکائی خود می‌توانست بازگو کند؟ ولی اظهارات وزیر مخابرات نتوانست خاطر مبارک "شیطان بزرگ" را آسوده سازد. فشار امپریالیسم از طریق عمال ایرانی و نیز "دول اسلامی دوست" بدرجه‌ای رسید، که آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

"اینکه می‌گویند اینها نفوذ دارند دروغ است... وی سپس افزود: "ممکن است جانی نفوذ کرده باشند که این احتمالش بسیار ضعیف است...". (اطلاعات، ۱۷ آبانماه ۱۳۶۱)

هم اظهارات آقای مرتضی نبوی و هم پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی، دلیل قاطع و انکارناپذیری است بر اینکه حزب توده، ایران هیچ‌گونه نفوذی در ارگانهای دولتی نداشته و مالا، نمی‌توانست از "اسرار جمهوری اسلامی" با خبر باشد. حال چگونه است که چهار ماه پس از اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی، ناگهان پاسداران انقلاب اسلامی و دادگاههای انقلاب اسلامی، مدارک و اسناد دال بر "نفوذ" حزب توده، ایران به ارگانهای دولتی را "کشف" می‌کنند؟

رژیم شاه ربع قرن در جستجوی جاسوس شوروی بود. اینک نصبت به جمهوری اسلامی رسیده است. با یاری گرفتن از اظهارات زنده یاد آیت الله طالقانی می‌توان گفت، حیرت آور آنستکه در این کشور، هیچ کس، هیچ‌گاه در جستجوی جاسوس آمریکائی نبوده است. این حقیقت هر انداز حیرت آور هم باشد، قابل درک است. اگر بنا می‌بود که جاسوسان آمریکائی دستگیر شوند، دستگاههای دولتی و نهادهای انقلابی، خیلی از کادرهای درجه اول خود را از دست می‌دادند. هزاران وزیر معاون وزیر، مدیر کل، نماینده مجلس، سرپرست بنیاد، استاندار، فرماندار، بخشدار، "نماینده امام"، امام جمعه، قاضی، حاکم شرع، فرمانده ارتش، ژاندارمری، سپاه و گمیت، بسیج، جهاد و غیره که پس از انقلاب، مانند قارچ بعد از باران روئیدند و برای قبضه کردن اداره کشور زیر پرچم اسلام گرد آمدند، هر کدام مکتب و یا مکتب‌های اسلامی، برای این چنین ریزی تربیت شده بودند. اگر مراجع به پرونده ساواک و سایر امکان پذیر می‌بود، به آسانی می‌شد، مشاهده کرد، که خیلی از آقایان دست‌اندرکار، در اول پیروزی انقلاب و پس از آن گروه - گروه به ایران "صادر" و بلافاصله نیز به مقامات حساس گمارده شدند. بدیهی است که اکثر آنها دارای سابقه "مبارزه" علیه رژیم در صفوف "انجمن‌های اسلامی" در آمریکا بودند. انجمن‌هایی که یا به دست‌عمل سیا براه افتادند و یا بلا واسطه پس از تشکیل تحت نظر سیا قرار گرفتند.

وقتی ارگان سپاه پاسداران می‌نویسد، سید حسن امامی، امام جمعه تهران در زمان رضا شاه (که همپایه حجت الاسلام خاتمه‌ای در جمهوری اسلامی است)، از فراموشی‌های بزرگ بود. ("پیام انقلاب"، شماره ۵۵، سال ۶۱، صفحه ۹۱) و یا آقای شریح‌تنداری یکی از سرشناس‌ترین مراجع تقلید، "همکار ساواک و جاسوس آمریکا" و خد متذکر شاه معروف می‌شود (صبح آزادگان، ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱). زمانیکه میر غفار سجادتزاد نماینده استان آباد در مجلس شورای اسلامی که خود از جانب همکارانش متهم به عضویت در ساواک است، در سخنرانی دفاعیه خود، "امام موسی صدر" یکی از مراجعین بزرگ شیعه در لبنان را همکار نزدیک ساواک معرفی می‌کند (کیهان ۱۲ دیماه ۶۰) و یا سپهبد سابق ناصر مقدم آخرین رئیس ساواک در بازجویی صریحاً می‌گوید حجت الاسلام فلسفی (از مبلغین مشهور جمهوری اسلامی) مزد بگیر ساواک و واسطه سازمان با روحانیون قم بود، زمانیکه آقای سید حمید روحانی نویسنده کتاب "بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی" در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی اعتراف می‌کند، که بقیه در صفحه ۹

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دنیا

چرخش بسوی "شیطان بزرگ"

بقیه از صفحه ۸

امپریالیسم مبره‌هایی را در جامعه روحانیت و مراکز اسلامی و حوزه‌های علمیه در مواضع حساس گنجانده تا بموقع خود از آنها بعنوان عامل بازدارنده برای کنترل اسلام استفاده کنند (صبح آزادگان، ۱۱ اردیبهشت ۶۱)، چگونه می‌توان پذیرفت که دامن اکثر حکام کنونی آلوده نیست و یا چگونه می‌توان منکر شد که مثلا، سیا در "انجمن‌های اسلامی" فعال در ایالات متحده آمریکا مبره‌های خود را تربیت نکرده است؟ افسوس که نامهای روحانیون وابسته به ساواک و دیگر سازمانهای امپریالیستی توسط رهبری حاکمیت جمهوری اسلامی پنهان نگاه داشته شد تا مردم به حقایق رسوا کننده پی نبرند!

نیروهای ملی و مترقی بارها در باره بکسار گرفتن مأمورین ساواک در امور اطلاعاتی جمهوری اسلامی اعتراض کردند و ولی نتیجه چه بود؟ افرادی چون فردوست و همکاران دیگر وی که سالیان دراز تجربه همکاری "برادرانه" با جاسوسان آمریکائی دارند و همه بدون استثنا، دست پرورده سیا هستند، اداره امور اطلاعات کشور را بدست گرفتند. مضحك آنکه در چنین شرایطی، پیکرز آقای مهدوی کنی در توجیهه یورش وحشیانه به حزب توده، ایران، می‌گوید: "خداوند توطئه‌ها را بر ملا ساخت" روز دیگر آقای موسوی اردبیلی اظهار می‌دارد، که گویا "از دیر باز تاریخ، اعمال و نقشه‌های آثار فاش ساخته برد".

"خداوند" و "تاریخ" مورد استناد آقایان در مثال مشخص نامبرده، همان ساواک و سیا هستند، که سالیان دراز با فراغ بال به پرورده سازی علیه احزاب و گروههای سیاسی و از جمله حزب توده، ایران مشغول بودند. همان "استاد و مدارک" و "پرورده‌ها" است که اینک مورد بهره برداری جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. همه به یاد داریم که رژیم گذشته نیز "جاسوسی" به نفع بیگانه عمده حربه سرکوب نیروهای انقلابی بود.

جاسوسان واقعی مورد لطف و مرحمت دادگاه‌های "اسلامی"

تطابق عملکرد ارگانهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی و ساواک در کلیه مراحل شکار انسانها، شیوه‌های بازجویی، پرورده سازی، روند ظهور در صفحه تلویزیون، همه نشانگر آنست که در این فامیل "وراثت حزبی" وجود داشته است. بر پایه همین وراثت فامیلی بود، که عمال سیا در ارگانهای اطلاعاتی با کمک مقامات عالییه،

شرایط آزادی جاسوسان آمریکائی و انگلیسی را یکی پس از دیگری فراهم آوردند.

۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۹ روزنامه خبر محاکمه یک خانم آمریکائی و دو تن از دوستان ایرانی وی را به اتهام جاسوسی به نفع آمریکا منتشر کردند. خانم آمریکائی "آلن سینتیا براون د وایسر" نام داشت. ولی نام دو همکار ایرانی وی تساکسون جز" اسرار دولتی" باقی مانده است. ۲۰ بهمن ماه همانسال دادگاه انقلاب ختم دادرسی را اعلام و رای خود را صادر کرد. در رای دادگاه انقلاب آمده بود که ارتکاب اعمال زیر از ناحیه وی بردادگاه ثابت است:

۱- اقدام به شناسائی گروه‌های ضد انقلاب به قصد مرتبط نمودن آنها با عناصر آمریکائی.

۲- اقدام به همکاری با یک گروه مسلح به منظور آزاد کردن جاسوس‌های آمریکائی.

۳- تلاش در جهت برقرار نمودن ارتباطات رادیویی بین مخالفان دولت در ایران و عناصر آمریکائی.

۴- اقدام به جاسوسی.

در رای دادگاه صریحا گفته می‌شد که "اعمال ارتكابی فوق اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد". در چنین شرایطی آقایان حکام شرع قاعدتا اشد مجازات را طلب می‌کنند.

ولی در رای صادره درباره جاسوسه آمریکائی چنین می‌خوانیم: "یا ثبوت مجرمیت متهمه، خانم سینتیا براون د وایسر فرزند لوثیز به ۹ ماه حبس تأدیبی با احتساب ایام بازداشت قبلی و هم چنین به اخراج از ایران پس از مدت

حبس محکوم می‌گردد". بدین طریق جاسوسه آمریکائی که جاسوسیش برای دادگاه محرز بود و ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ دستگیر گردید، ۲۰ بهمن ماه همانسال آزاد و روانه ایالات متحده آمریکا شد. (اطلاعات ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۹). به بیان دیگر حکام شرع محکومیت جاسوسه آمریکائی را به ۹ ماه دوران بازداشت وی محدود کردند.

۱۹ مرداد ۱۳۵۹ خبر دستگیری یک

زن جاسوس انگلیسی زینت بخش جرید جمهوری اسلامی شد. روزنامه "جمهوری اسلامی" گفتگویی پیرامون این جاسوسه با مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران اصفهان بعمل آورد. وی گفت: "خانم مارگارت جین وارل به دنبال تحقیقاتی

که برادران سپاه در مورد اعمال و رفتار جاسوسان انگلیس و مرساد انجام دادند دستگیر شد. تحقیقات نشان می‌دهد که شخص مذکور برای رسیدن به مقصد پلید خود که همان جاسوسی باشد، به هر عمل خلاف انسانی و اخلاقی دست می‌زده و از طریق نامشروع کارمند است غرض و بوالهوس ادارات بخصوص

وزارت امور خارجه را برای همکاری جلب می‌کرده است. وی کلیه اخبار و اطلاعاتی را که شبکه‌های جاسوسی اسرائیل و انگلیس و احتمالا آمریکا یکا احتیاج داشته‌اند ارسال داشته.

(جمهوری اسلامی، ۱۶ مرداد ماه ۱۳۵۹)

بعد ها معلوم شد، که علاوه بر جاسوسه انگلیس و اسرائیل، سه نفر انگلیسی دیگر نیز به اتهام جاسوسی دستگیر شده‌اند و در باره فعالیت آنان نیز داستانها تحویل مردم دادند ولی هنوز مرکب اتهامات جاسوسی افراد نامبرده خشک نشده بود، که دادستان کل انقلاب اسلامی اعلام داشت، که از این افراد رفع اتهام شده است (جمهوری اسلامی، ۱۶ اسفند ماه ۵۹).

تبرئه جاسوسان امپریالیستی در شرایطی جریان داشت، که ارگانهای سرکبیر، شخصیت‌های منسوب به نیروهای ملی و مترقی را، بدوین کوچکترین دلیل و مدرک به جاسوسی متهم می‌ساختند و جراتان به‌گناه و اغفال شده را در کوجه‌ها و خیابانها می‌کنستند.

آزادی سریع و بدون مجازات جاسوسان آمریکائی و انگلیسی و اسرائیلی، بیانگر وجهه شبهه جاسوسی در میان مقامات عالیرتبه دولتی است. "انجمن حجتیه" یکی از این شبهه‌ها است. این انجمن که نقش حساسی در عرصه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور به عهده دارد، منحکس کننده جناحی از روحانیست راستگرا است، که تحت پوشش احکام شرعی، "تقدس مالکیت" و احیای مناسبات سرمایه‌داری وابسته را، زیربنای عملکرد خود قرار داده است.

"انجمن حجتیه" در دوران شاه به عنوان سازمان اسلامی ضدبهاثیت تشکیل شد. روزنامه "صبح آزادگان" در شماره ۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۱، "انجمن حجتیه" را، یکی از "آفات انقلاب" نامید و نوشت که رهبران سازمان نظیر کافی، شیخ قاسم اسلامی، اشرف کاشی، منافی و حلبی ارتباط نزدیک با نصیری رئیس ساواک داشتند و ساواک انجمن را تقویت می‌کرد. روزنامه خاطر نشان می‌سازد، که حلبی به افراد خود اکید دستور داده بود که هر وقت با مشکلی برخورد نمودند با ساواک منطقه تماس گرفته و مشکل را حل نمایند. "انجمن حجتیه" مولود "اینتلیجنت سرویس" بود، که بعد ها از طریق ساواک به خدمت "سیا" درآمد.

همه می‌دانند که عده گنیمتری از شخصیت‌های درجه اول جمهوری اسلامی در مقام وزارت و وکالت و غیره سالها "افتخار" عضویت در این انجمن را داشتند و یا اکنون نیز دارند.

آقای طیب نماینده مجلس شورای اسلامی که خود زمانی عضویت انجمن را داشت، آنرا متهم به "روحانی‌نمائی"، "سازشکاری" و "تخطئه انقلاب" می‌کند (صبح آزادگان، ۲۸ شهریور ماه ۶۱). آقای علی اکبر پرورش وزیر آموزش و پرورش، که به اعتراف خودش مدت ۷ سال عضو انجمن بوده، می‌گوید که "خط" بقیه در صفحه ۱۰

من اصلی مردم ایران، متحد شویم!

چرخش بسوی "شیطان بزرگ"

بقیه از صفحه ۹

تشکیلاتی انجمن را با خط حرکت انقلاب یکسان نمی بینم و در متمم اساسنامه انجمن مواردی است که با خط انقلاب سازگار نیست، زیرا خط انقلاب فقط حاکمیت ولایت فقیه است " و آنها و ولایت فقیه را قبول ندارند. (اطلاعات ۲۸ شهریور ماه ۱۳۶۱)

" انجمن حجتیه " زیر کوهی از اتهامات، که کمترین آن همکاری با ساواک و سیا است، چکونه تیراسته نه تنها فعالیت علنی خود را ادامه دهد، بلکه در کلیه ارگانهای دولتی و نهادها نیز مواضع خود را تحکیم بخشد؟

آنچه ما بر سر مدیم و فقط مشتق از خسروار است، می تواند کلید درک زرفای نفوذ واقعی (نه تخیلی و ساختگی) اعمال امپریالیسم در حساسترین ارگانهای دولتی باشد. هم آنانند که سجاده و تسبیح بدست، با اثنا به زور و تزویر، برای کتمان اعمال ضد ملی و ضد خلقی خود، "افسانه جاسوسی" سرهمبندی می کنند تا بدین وسیله به یکی از اهداف امپریالیسم یانگی، یعنی قندن کردن فعالیت علنی حزب تسیده ایران دست یابند.

چگونه می توان حزبی را که در تمام دوران تاریخ خود، همیشه زیر ضربات سبکین و وحشیانه و تهمت های زریلانه و پرورنده سازبهای کثیف قرار داشت، چگونه می توانستند رهبران این حزب که تا دیرینه نمیتوانستند در ارگانهای دولتی نفوذ کنند، متمم به جاسوسی کرد؟

تاریخ حزب توده ایران تاریخ افتخار و سربلندی است!

ما را نیازی نیست که به دفاع از حزب توده ایران در پیشگاه مردم ستمدیده و زجر کشیده میهن بلاکشید، همان به پردازیم. توده های زحمتکش با تاریخ پر افتخار حزب خود، که با خون پاک هزاران شهید با نام و بی نام نگاشته شده، کم و بیش آشنا هستند. دفاع بی قید و شرط از استقلال سیاسی و اقتصادی واقعی کشور، نبرد بی امان در راه تأمین آزادیها و حقوق دموکراتیک توده های میلیونی کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان، مبارزه بی گیسر و آشتی ناپذیر علیه هر گونه مظاهر استعمار و نواستعمار در هر شتلی، خلاصه مضمون عملکرد حزب در چهار دهه اخیر است. آترا که حساب پاک است، از محاسبه باکی نیست. بهمین سبب ما نه تنها دفاع از خود را زاندمی شماریم، بلکه با ارائه مدارک انکار ناپذیر ماهیت توطئه امپریالیستی علیه حزب را فاش می سازیم و متممین واقعی را محرف می کنیم. ما می گوئیم عوامل مؤثر در سیاست چرخش بسوی "شیطان بزرگ" را بی گوی کرده و در معرض قضاوت عام قرار دهم. ما رنگ خطر را برای آن نیروهای بسه صدا در می آوریم، که هنوز تحت فشار فزاینده اعمال امپریالیسم سر تسلیم فرود نیاورده اند.

خطری که بشکل "کودتای خزنده" متوجه میهن ما است، پیوند نزدیک با روحیه ضد کمونیستی اکثریت روحانیست در ارد. ضد کمونیسم سلاح امپریالیسم در مبارزه علیه نهضت های رهائی بخش ملی در همه کشورهای رسد یابنده است. این تئوری نیست، حقیقت تلخی است، که تجربه مبارزه خوین، هم میهن خود ما و هم دیگر کشورها، می آموزد. مد کمو- نیسم، مبتلایان به این بیماری خطرناک را دیر یا زود در آغوش امپریالیسم جای می دهد. تاریخ معاصر کشور ما، شاهد زنده ای در تأیید این واقعیت است. امپریالیسم همیشه در حساسترین و سرنوشت سازترین لحظات، توانسته از این بیماری رایج میان شخصیت های با نفوذ، با مهارت علیه آزادی و استقلال کشور بهره برداری کند. این طرز اندیشه تنها ترازوی گذشته نیست، ترازوی حال نیز است. زیرا کمونیسم ستیزی قابلیت شناسائی و تمیز دوست و راز دشمن فلج می کند. دوستان خلق و مبارزین راه آزادی و استقلال به "دشمنان عده" و امپریالیسم و نواستعمار به "یاران صدیق" تبدیل می شوند.

۲۹ مرداد ماه سال ۱۳۲۱، یعنی یکسال قبل از کودتای شوم ۲۸ مرداد، روزنامه "کیهان" خبری پیرامون ملاقات و مذاکرات آیت الله کاشانی با لژی هند رسن سفیر کبیر وقت ایالات متحده آمریکا در ایران منتشر ساخت که در آن گفته می شد: "آقای هندرسن در پاسخ آیت الله کاشانی اظهاراتی کرده و گفتند که استعمار برچیده شده و از بین رفته، ولی باید اقدام شود تا از نفوذ کمونیست ها در ایران ممانعت بیه عمل آید...". آیا واقعا نیز استعمار از ایران برچیده شده و هیچ گونه خطری از طرف استعمار و نواستعمار متوجه ایران نبود؟ آقای هندرسن این "توصیه" را هنگامی مطرح می ساخت، که از توطئه در حال تکون سیا برای سرکوب نهضت رهائی بخش مردم ایران آگاه بود. در آن ایام مبارزه سرسخت زحمتکشان ایران علیه امپریالیسم، الهام بخش نیروهای ملی و مترقی در سراسر منطقه نفتخیز خاورمیانه و نزدیک بود. امپریالیسم آمریکا که منافس غارتگرانه خود را در منطقه در خطر می دید، بسا تمام قوا در سرکوب جنبش رهائی بخش مردم ما می کوشید. نخستین شرط دستیابی به این هدف سرکوب کمونیست ها، یعنی حزب توده ایران بود. امپریالیسم آمریکا بد رستی می داشت، که حزب توده ایران سرسختترین مبارز راه استقلال و آزادی ایران است. به همین دلیل سفیر کبیر آمریکا فرمان یورش بسه حزب توده ایران را صادر کرد.

کودتای ۲۸ مرداد با پول سیا و کمک عمل امپریالیسم، پیروز شد. اعضای حزب توده ایران را روانه سياهچالها کردند و در برابرسر جوشه های اقدام قرار دادند، حزب تسوده ایران را "منجله" اعلام نمودند. بی آمد

وحشتناک این نابینائی سیاسی بر کسی پوشیده نیست. سه دهه پیش از سرکوب نهضت رهائی بخش مردم ایران با حمله به کمونیستها تحت لوای کمونیسم ستیزی آغاز و با شکست نهضت پایان یافت. با وجود تجربه تلخ تاریخ، امپریالیسم آمریکا، موفق شد این بار نیز با مهارت از روحیه ضد کمونیستی بهره برداری کند. تصادفی نیست، که مبارزه با کمونیسم در ایران، از نخستین روز اوج نهضت انقلابی مردم، در دست روز نمایندگان عالی رتبه آمریکا در ایران قرار گرفت.

در کتاب شماره ۱۲، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، منتشره از طرف "دانشجویان پیرو خط امام"، تحلیلی از ویلیام سولیوان، تحت عنوان "سند شماره ۹" انتشار یافته، که نه تنها متن آن، بل انتشار آن نیز در خور تأمل است. کسانی که با نظرات و استدلال نظریه پردازان اسلام فقهائی آشنا می باشند، با مطالعه "سند شماره ۹" می توانند به همکاری مؤلف با برخی از تئوریسین های جمهوری اسلامی بسه آسانی پی ببرند. در این سند، که تاریخ ۳ فوریه ۱۹۷۸ (۱۴ بهمن ۱۳۵۶)، شماره تهران ۱/۱۶۹۱ دارد و به امضای ویلیام سولیوان رسیده گفته می شود: "نهضت شیعی مذهبها به رهبری آیت الله خمینی از سازمان یانگی بسه بهتری برخوردار است و بر خلاف آنچه کسه دشمنان این نهضت بیان می دارند، ایشان بسا داشتن زمینه فکری خاص، قادر به مقاومت در برابر کمونیسم هستند".

چنانکه ملاحظه می شود، هنوز یکسال قبل از پیروزی انقلاب "دشمن عده" اصلی "برای نمایندند امپریالیسم آمریکا در ایران، مانند گذشته کمونیسم و کمونیست ها بودند. در تحلیلی که آقای سولیوان برای اتخاذ تصمیم درباره سرنوشت شاه به واشنگتن ارسال داشته بود، ولایت به کسانی داده می شد، که از روحیه ضد کمونیستی زرفتری برخوردار باشند. آقای سولیوان در "سند شماره ۹" به دولت متبوع خود توصیه می کند که "در ایران امروز به دنبال سازمانهای سیاسی بودن کاری است بیبوده". چرا؟ زیرا، به نوشته وی، ولایت روحانیون که از سازمان یانگی بهتری برخوردارند قادر به سد راه کمونیسم اند و ثانياً، رهبران مسلمان می توانند بسیاری از جوانان مسلمان تحصیل کرده را که فن تبلیغ و سازماندهی را در دانشگاههای اروپائی (غربی) و آمریکائی فرا گرفته اند، بسه سوی خود فراخوانند.

اکتون که پنج سال و اندی از گزارش آقای سولیوان می گذرد، هر دو بند نامبرده در آن، یعنی هم مبارزه علیه کمونیسم با شدت جریان دارد و هم روند جذب "جوانان مسلمان"، که "فسن تبلیغ و سازماندهی" را در اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا به یاری "دوستان اسلام" در سیا و غیره آموخته اند، انجام یافته است.

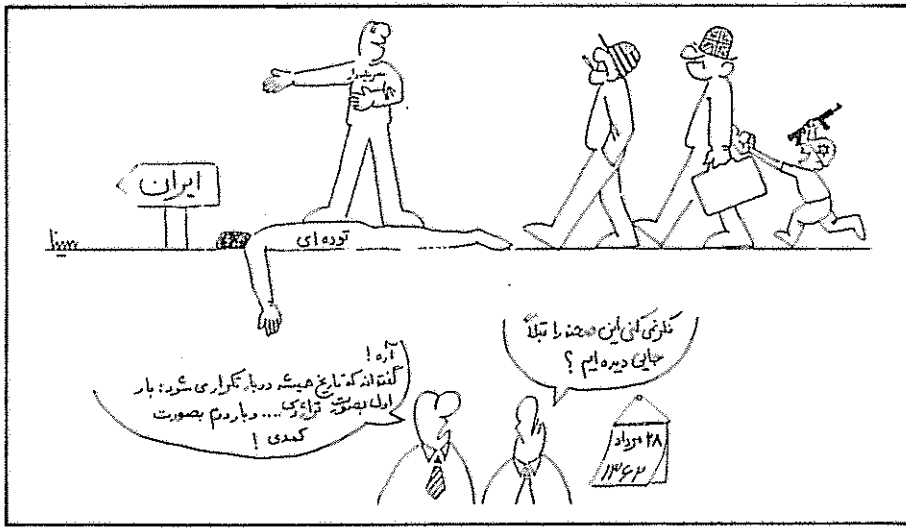
کلیه این مسائل، که پنج سال پیش در گزارش آقای سولیوان مطرح شده، هم اکنون مورد بحث زمامداران روحانی و غیر روحانی در دولت و مجلس شورای اسلامی است. آیا تصادفی است، که جمهوری اسلامی مدعی اجرای سیاست "نه" بقیه در صفحه ۱۵

آقای محسن رضایی! بازبان چه کسی تکلم می کنید؟

از آمریکا و انگلستان بدتر است؟
گیریم که رژیم جمهوری اسلامی قهرمان مبارزه با حزب توده ایران شد و گوی سبقت را از رژیم آریامهری هم ربود ،عجواب خواستهای مردم زحمتکش را چه خواهید داد ؟ به آنها خواهید گفت حزب توده ایران را دوباره "منحل" کردیم؟ شما که بنابر اعتراف صریح خود ۲ سال پیش مشغول کار منظم "اطلاعاتی" بر روی حزب توده ایران هستید ، آیا مجری قوانین انقلابی و احترام گذار به آن اصول قانون اساسی بوده- اید ،که تفتیش عقاید و تعرض و مواخذة دیگر- اندیشان را متنوع و آزادی احزاب و جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی را اعلام ننموده است؟ آیا طی این مدت که مشغول کاریستما- تیک جاسوسی بر روی یک حزب قانونی (چرا

فقط جرم جاسوسی بلکه سیاست "سازشکارانه و منافقانه" این حزب نیز هست . و ایکاش کسه ایشان در همان محدوده سازماندهی کسردن عملیات مسلحانه باقی میماند و وارد "بحث تئوریک" نمیشد ؟ چرا که درست از همین جا یاره گوییها- ئی آغاز میشود که از ۳۰ سال پیش بارها از دهان شاه معدوم و سرهنگ زیبایی و بعد ها ملی نماها و مائوئیستهای آمریکائی بیرون آمده ، تا حقانیت حزبی را که جواز قانونیت خود را ۴۰ سال پیش از توده های محروم و ستمکش میهن ما گرفته است ، بزیر علامت سؤال ببرد . آقای رضائی میکوشد با استفاده از مغز و فرمولبندی "دیگران" با چند جمله در مورد "دادن امتیاز نفت شمال به شوروی" "تائید رفرمهای رژیم شاهنشاهی" و "ارتجاعی دانستن قیام ۱۵ خرداد ۴۲" توسط حزب و نسبت

پس از هجوم ناجوانمردانه راستگرایان و هواداران بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری به محکمتین دژ انقلاب یعنی حزب توده ایران و توقیف بخشی از رهبران و هزاران نفر از اعضای حزب و ترتیب نمایشهای تلویزیونی "اعتصافات" در شکنجه- گاههای اوین ، که همه و همه هدف مسخ و نابودی کامل انقلاب ایران را دنبال میکند ، پارامی از مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی از صدقه سر این جنایت هولناک منچهره بسیار فعالی بخود گرفتند . آقای محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران از جمله کسانی است ، که این روزها مشغله زیادی دارد . بر صفحه تلویزیون ظاهر میشود ، پشت میکروفون رادیو به بحث می نشیند و چپ و راست با روزنامههای مجاز کشور مصاحبه میکند ، تا به خیال خود چهره "حزب منحل توده" را به مردم بهتر بشناساند . در یک کلام ایشان این روزها از "قهرمانانی" است ، که گرد و غبار زیادی پسا کرده و مرتب از "شهر" و "از خود گذشتگی" پاسداران در کشف "لانههای جاسوسی" تودهای ها سخن میرواند .



که بگفته مسئولان جمهوری اسلامی این حزب به تازگی غیرقانونی اعلام شده!) بودید ، بدستور بعضی از مقامات مافوقتان پاسداران را بدنیال نخود سیاه نفرستاده بودید تا ساواک چنین بازسازی و به خدمت جمهوری اسلامی درآید ؟ آیا شما و دیگر مسئولان قانون اساسی را که بگفته ای محصول خون شهدای انقلاب است ، تکه تکه نکردید ؟ مردم فریب نخواهند خورد همس خودتان را هم فریب نھید ! رابطه شرافتمندانه حزب توده ای ما را با احزاب و نیروهای ضدامپریالیستی جهان و تاریخ پر افتخار و غرور انگیز آنرا نمیتوان بسا اتهامات امپریالیسم و ساواک ساخته وارونه جلوه داد . حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران دکان بقالی نیست ، که با اشاره مقامات جمهوری اسلامی و اقدامات شما و امثال شما بسته شود . اهداف این حزب از خواسته های توده های میلیونی زحمتکشان میهن ما نشأت گرفته و هم از این روست که این حزب با زحمتکشان پیوسته ای ناگسستی و در تاروپود جامعه ما ریشهای عمیق دارد . تاریخ این مسئله را به اسلاف شما نشان داد ، و اگر عجله نکنید شما هم نشان خواهد داد !

دادن کودتای مائوئیستی اواسط دهه ۵۰ در سازمان مجاهدین به آن تاریخ پر افتخار حزب توده ایران را به خیال خود به لجن بکشد تا مردم بوی تعفن لجنی را که از قربانی کسردن بهترین فرزندان خلق ، بر تن مسئولان جمهوری اسلامی نشسته است ، احساس نکنند . آقای رضائی ! شما کمی تاخیر کرد ماید ! تاریخ خیلی پیش از دعاوی امروزه شما ، این زورقهای چوبین دروغ و اتهام را به صخره محکم واقعیت کوبیده و متلاشی نموده است . شما و همفکرانتان با این گرد و خاک چه چیز را میخواهید ببوشانید ؟ گردش برآستی را که در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی روی داده ؟ تسلط بلامنازع راستگرایان و قشرها بر ارگانهای دولتی جمهوری را ؟ اینکه دیگر از انقلاب کوخ نشینان صحبتی نیست و بازاریان و سرمایه داران زالو صفت به "استوانه انقلاب" تبدیل شده اند ؟ اینکه دیگر پینه دست دهقانان سند مالکیت زمین نیست و سپاه پاسداران به ابزاری در دست بزرگ مالکان و فئودالها برای باز پس گرفتن زمینها تبدیل شده اند ؟ اینکه شعار مرگ بر آمریکا دیگر شعار اصلی دولت و مقامات جمهوری اسلامی نیست و سپاه روی سفید نوشته میشود که شوروی

فرمانده سپاه پاسداران ، که نیروهای تحسنت اختیارش طبعاً میبایست در درجه اول حامی انقلاب و مجری قوانین انقلابی و سرکوبگر دشمنان اصلی انقلاب یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان وابسته به امپریالیسم باشند ، روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ، در یک مصاحبه مطبوعاتی به تشریح "فعالیتهای مخفی و جاسوسی" حزب توده ایران میپرد ازد و میکوشد با توضیح ساختار حزب و ارگانهای رهبری آن (که همگی در اساسنامه حزب توده ایران تشریح شده و هر کس میتواند آنرا زمانی که کتاب خریدن و خواندن هنوز "جرم" نبود ، تهیه کند) ، خود را قهرمان کشف شبکه های حزبی و ساختمان حزب قلمداد کند ! دعاوی آقای رضائی مبنی بر کشف انبار اسلحه ، چاپخانه مخفی و دستگاههای جاسوسی آنقدر مبتذل و بی پایه است ، که خود ایشان هم به شک می افتند ، که میاد مردم این ادعاهای بیج را باور نکنند و پیدا شوند کسانی که از خود سؤال کنند اگر توده ایها دارای "انبارهای اسلحه و خانهای تیبی" و "افراد" که در افغانستان آموزش نظامی دیده اند ، هستند پس چرا حداقل یکی دو جا آثار تعرض و یا مقاومت مسلحانه آنها دیده نمیشود (البته ما نیک میدانیم که راستگرایان و نیروهای مرتجع در پی انجام توطئه دیگری از قبیل انفجار و یا تیراندازی و نسبت دادن آن به تودهایا نیز هستند تا یورش اخیر خود را با یک حمام خون تکمیل کنند !)

خلاصه در اینجاست که آقای رضائی که خود بهتر از هر کسی میدانند تودهایا دارای انبارهای اسلحه نیستند و در خانه آنها جز موشی کسب ، "مدرک جرم" دیگری یافت نمیشود ، شروع به تئوریزه کردن هجوم ناجوانمردانه به حزب توده ایران میکند تا ثابت کند که علت این هجوم نه

"تلاش" مدافعین سرمایه داران

بدون شاه، خیانت به زحمتکشان است. کارگران و دهقانان برای این انقلاب نکردند، که عسکر اولادی ها و توکل‌ها و دیگران بیایند "آزمایش" روی "آزمایش" بکنند و شما این "آزمایش"ها را "تلاش" برای "محرمان و مستضعفان" بنامید و خاک در چشم آنها بریزید. آنها برای این انقلاب کردند که رژیم شاه و پایه‌های غارت کلان سرمایه‌داری و بزرگ ماللی را براندازند، و به عدالت اجتماعی دست یابند! شما و آنها کسی که برای تحقق این خواست‌ها و برای تحقق عدالت اجتماعی به ضحنه آمده بودید، اجازه نداشتید، عمر زحمتکشان، توان زحمتکشان و امید زحمتکشان را به باد دهید و دل آنها را به این خوش کنید، که "مسئولان برای مستضعفان تلاش" می‌کنند. در حالی که می‌دانید، که تاکنون هیچ قدم جدی - ای در این راه برنداشته‌اید. برنداشته‌اید، زیرا تسلیم سرمایه‌داران و غارتگران شده‌اید. برنداشته‌اید، زیرا انقلاب را قربانی منافع غارتگران سرمایه‌دار و زمین‌دار کرده‌اید! اگر که واقعا می‌خواهید، "برای مستضعفان" کار کنید، قانون اساسی و اصل ۴۹ آنرا اجرا کنید. برای توزیع به نفع زحمتکشان یک راه بیشتر وجود ندارد و آن اجرای برنامه حزب توده، ایران است.

دولتی کردن تجارت خارجی، به دست گرفتن تجارت عمده داخلی و شترل دولتی توزیع داخلی!

و معلوم شده، که "تلاش" قبلی ایشان نه به نفع "محرمان و قشرهای ضعیف" بلکه "تلاشی" در خدمت غارتگران و تروریست‌های اقتصادی بود. به یکباره به فکر "طرح جدید" می‌افتد، تا "تلاش" دیگری به ظاهر "برای محرومان" مان "اولی" در واقع برای بازگذاشتن دست‌گرفته‌ی دیگر از غارتگران و تروریست‌های اقتصادی به راه بیندازد.

جناب آقای رئیس‌جمهور، توجه می‌فرمائید! آقای عسکر اولادی "تلاش" کردند و "طرح جدید" آوردند و "خرید و فروش برنج داخلی را" بعهده اصناف گذاشتند. آقای عسکر اولادی از این "تلاش" خود، و بنا به اعتراف فوق‌الذکر ایشان "درس" هم آموختند، که این شیوه دست‌یک‌عده متخلف و سوءاستفاده‌چی را، همان "تروریست‌های اقتصادی" که معرف حضورتان هستند را برای غارت خلق باز می‌گذارد. و چسبون اینان مایبند "از تجربیات گذشته که در مرحله آزمایشی آنرا کسب فرموده‌اند، استفاده نکنند، مرحله بعدی آزمایشی را نیز با "طرح جدیدی" آغاز می‌کنند. اما مطمئن باشید آقای رئیس‌جمهور تا می‌خواهید به "مردم" القاء کنید، که "مسئولین برای مستضعفان ۰۰۰، تلاش می‌کنند ۰۰۰"، "نتایج" مرحله جدید آزمایشی "آقای عسکر اولادی هم همان خواهد بود، که مرحله قبلی آن بوده است!

علت و معلول

رابطه قانونمندان دارند

علت را می‌پرسید؟ علت روشن است! آقای عسکر اولادی، که مدافع سرمایه‌داران است، که "تروریست‌های اقتصادی" از نوع آهن خرو و شیشه خور را در زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهد، نمی‌تواند راهی را طی کند، که "تلاش برای مستضعفان" باشد! این واقعیت را هر انسان معمولی هم درک می‌کند، که منافع غارتگران و متکبران و تروریست‌های اقتصادی با منافع زحمتکشان در تضاد اشتی ناپذیر است. آب "متکبر و مستضعف" به قول شما، و استثمارگر و استثمار شده به قول ما در یک جوی نمی‌رود! خدمت به "مستضعفان و مجرمان" فقط از راه قطع دست غارتگران ممکن است.

برنامه انقلاب: عدالت اجتماعی

آقای رئیس‌جمهور، عمر زحمتکشان را به هدر ندهید! رژیم شاهنشاهی به اندازه کافی مرتکب این جنایت شده بود!

سپردن کار زحمتکشان به دست مدافعان سرمایه‌داری، مدافعان رژیم غارتگر شاهنشاهی

رئیس‌جمهور:

"۰۰۰ مردم ۰۰۰ معتقدند که مسئولین برای محرومان، برای قشرهای ضعیف دارند تلاش می‌کنند ۰۰۰"

(کیهان ۱۴ اردیبهشت ۶۲)

اما آقای رئیس‌جمهور! مردم سؤال‌هایی هم دارند:

مردم سؤال می‌کنند، این "تلاش" مستو - لین در چه چیز نمایان می‌شود؟

مردم سؤال می‌کنند، که آیا واقعا تلاش همه مسئولین به نفع و "برای مستضعفان، برای محرومان، برای قشرهای ضعیف" است و منافع آنها را در نظر دارد؟ اجازه بدید یک نمونه از این "تلاش"ها را که در همین شماره روزنامه کیهان به چاپ رسیده است، مورد توجه قرار دهیم! در صفحه ۱۹ همین شماره کیهان آقای حبیب‌الله عسکر اولادی، وزیر بازرگانی و مدافع سرمایه‌داران و سرمایه‌داری، مدافع "بازار آزاد"، یکبار دیگر از "طرح جدید توزیع برنج" سخن می‌گوید، که باید در "هفته آینده در سراسر کشور اجرا" شود. این "طرح جدید" ایشان، که گویا "جدید" است،

عبارت است از اینکه، "وسیله نانتیرها در سطح شهر (برنج) توزیع" شود! این طرح، که برای تهیه آن می‌بایستی مخزن متفکر یک اقتصاددان "بازار آزاد" به زحمت فکر کردن بیفتد، آنطور که آقای وزیر اعتراف می‌کنند، به این علت تدوین شده و به مورد اجرا گذاشته می‌شود، که "طرح قدیمی" توزیع برنج مورد سوءاستفاده "واحد‌های ۰۰۰ صنایع متخلفی" قرار گرفته است. آقای وزیر مجبور به اعتراف شده است، که "در مرحله اخیر از سوی بعضی از اصناف ۰۰۰ اشتباهات و یا تخلفاتی مشاهده شده است ۰۰۰" و خود چگونگی امکان "تخلفات و سوءاستفاده"ها "را هم معصومانه لرمی‌دهد و می‌گوید: "ما در آزمایش اخیر که خرید و فروش برنج داخلی را بعهده اصناف گذاشتیم، ترانسیتیم واحد‌های صنایع سالم را از متخلف تمیز دهیم (دست‌ان در دست نزنند!) و عدای سودجو فکر کردند، که دولت نظارت خود را از توزیع برنج برداشته است ۰۰۰" (البته آقای وزیر شکسته نفسی می‌فرماید! البته که ایشان با سپردن "خرید و فروش برنج به غارتگران عملا، "نظارت" دولت را ملغی کردند و علیه قانون اساسی اقدام فرمودند! این را دیگر همه مردم می‌دانند و داستان زیر پا گذاشتن قانون اساسی را هر کنجشکی بر سر بام می‌خواند!)

به عبارت دیگر آقای وزیر در "تلاش" قبلی خود دست تروریست‌های اقتصادی را در سازمان اصناف، که با طرح دولتی کردن خرید و فروش برنج مخالفت کرده بودند، در امر "خرید و فروش برنج" باز گذاشته بود. حالا که گند شد آمده

شوخی نیست ۰۰۰!

دادستانی انقلاب طی اطلاعیه‌های مکرر از اعضای حزب توده، ایران و "هوادران" خواسته است که خود را به مراکز سپاه پاسداران معرفی کنند.

در یک مصاحبه مطبوعاتی، از فرمانده سپاه پرسیده شد که "هوادر" کیست و ایشان جوابی ندادند.

در پی این امر، برای خیلی‌ها این سؤال بوجود آمد که بالاخره "هوادر" کیست؟ با صحبت‌های اخیر و ممنوعیت انتقاد برای هر کس که از "مستضعفین" دفاع می‌کند، ما از منابع موثق اطلاع حاصل کردیم که مردم ایران به سه دسته تقسیم می‌شوند: "سرمایه‌داران" "زمین‌داران" و "هوا" داران! دودسته اول آزادند و در پناه "شرح اسلام" می‌توانند به غارتگری خود ادامه دهند؛ اما "هوا" داران باید خود را معرفی کنند و حق انتقاد هم ندارند!!

چهره‌های سرمایه‌داری و سوسیالیسم در خاک "آلمان"

پس از پایان جنگ دوم جهانی، برخاسته‌های فاشیسم، علیرغم کوششهای اتحادشهری و نیروهای دمکراتیک آلمان، دو جمهوری مجزا از یکدیگر، و با نظام‌های متفاوت اجتماعی-اقتصادی بوجود آمدند. جمهوری فدرال آلمان و جمهوری دمکراتیک آلمان، هر کدام از این جمهوری‌ها بنا به شرایط و برپایه‌های مادی باقی‌مانده از جنگ، کار ساختمان خود را آغاز و هر کدام در عرصه‌های مختلف پیشرفت‌های چشمگیری را حاصل کردند. جمهوری فدرال آلمان در اردوگاه امپریالیستی به یکی از پر قدرت‌ترین کشورهای صنعتی-سرمایه‌داری با تمام شاخص‌های آن تبدیل شد. جمهوری دمکراتیک آلمان نیز کسه می‌توان به جرأت گفت به جز غربی و آوار نصیبی از آلمان پیش از جنگ نبرد، با کادرفرمانت فرسوده و زیرگرمی‌های فراوان زحمتکشان آن و تحت رهبری کمونیست‌های آیدیده به جمهوری شکست‌ناپذیر سوسیالیستی تبدیل شد. جمهوری دمکراتیک آلمان جزو چند کشور اول صنعتی جهان است که رشد اقتصادی آن همواره سیر صعودی داشته است.

در جمهوری فدرال آلمان در عوض والدین کودکان اگر جایی برای فرزند خود در کودکانستان پس از انتظار طولانی پیدا کنند مجبورند ماهیانه مبلغ محتجابسی پرداخت کنند. در اکثر شهرهای آلمان فدرال تعداد مریبان به علت کمبود بودجه کاهش می‌یابد.

در جمهوری دمکراتیک آلمان، زنان حامله می‌توانند از استراحتگاه‌های عمومی استفاده کنند، خصوصاً زنانی حق تقدم دارند که شغل سختی دارند و یا در خانواده بار سنگینی بردوش دارند. این نیز بدون پرداخت حتی ریالی سرای مرضی ۲۶ هفته‌ای دوران حاملگی که حقوق این دوره نیز تماماً به زنان شاغل پرداخت می‌شود، انجام

نشده است. خدماتی نیز که برای زنان شاغل که منتظر فرزندی هستند انجام میگرفت روز بروز کمتر و محدودتر میگردد، از کاهش کمک دولتی گرفته شده است.

اما مسکن: شهروندان جمهوری داکرا-تیک آلمان سه تا ۵ درصد از درآمد خود را بابت اجاره به دولت پرداخت میکنند. ۳۴ سال است که در این جمهوری اجاره خانه ثابت مانده است. هر سال نیز طبق برنامه دولتی، مسکن جدید ساخته شده و یا خانه‌های قدیمی نوسازی می‌شوند. قرار است تا سال ۱۹۹۰ مسئله مسکن به عنوان مسئله اجتماعی حل شود. اما در جمهوری فدرال آلمان در این عرصه نیز



وضع برعکس "کشور همسایه" است. اجاره خانه هر سال طبق قرار داد و قانون افزایش می‌یابد، هیچکس از بیرون ریخته شدن امانت‌هاش به خیابان در امان نیست و دولت دست راستی این کشور که در نتیجه انتخابات اخیر چهارتعل برکات منافع سرمایه‌داران میتازد، در نظر دارد، اجاره بها، خانه‌ها را نسبت به "تخفیر و تحول در بازارخانه" سناوه‌البته فقط در جهت بالا نگاه دارد. آری، در جایی که زحمتکشان تعیین‌کننده سر-نوشت خود باشند و در جایی غارت سرمایه حکموا باشد، غیر از این نباید انتظار داشت. نمونه‌ها بالابند از کافی آموزنده است.

می‌گیرد. جالبتر اینکه این "مادران آینده" می‌توانند فرزندان تاشش‌ماهه خود را نیز همسراه ببرند، چه در کنار این استراحتگاهها کودکانستان ومهدکودک برپاست. اما آیا در جمهوری فدرال آلمان نیز وضع بدین منوال است؟ البته خیر؛ تمام کسانی که پس از سالها جایی برای استراحت و معالجه پیدا میکنند باید قسمتی از هزینه را خود پرداخت نمایند و کارگران و کارمندان هر سه سال می‌توانند از این موهبت استفاده نمایند. بسیاری از این استراحتگاهها به علت کمبود بودجه تعطیل میگردند و مردم نیز استفادهاز آنها به علت گرانی "تحریم" کرده‌اند. آمار نشان میدهد که ۸۰ درصد شهروندان این جمهوری هنوز پایسان به این محل‌ها باز

آلمان فدرال سرمایه‌داری، پس از رونق نسبی اولیه، به همان دردی دچار شد که سرمایه‌داری جهانی صدسال است با آن درگیر است. بحران اقتصادی، تورم افزایش بیثباتی و کاهش سطح زندگی مردم و غیره نمودهای آن هستند. در جمهوری دمکراتیک آلمان تمام رشد اقتصادی کشور در خدمت بالا بردن سطح زندگی مادی و معنوی مردم و برخورد ار کردن زحمتکشان از تمام موهبت اجتماعی قرار دارد. برای نمونه، جیت‌های موجود در چند عرصه زندگی اجتماعی در این دو کشور، که هنوز هم که هنوز است وجود یکی، جمهوری دمکراتیک آلمان، از طرف دیگری، جمهوری فدرال آلمان، به عنوان کشور مستقل نفی می‌شود، مورد قیاس قرار داد ما، تا مسئله ملموس‌تر گردد.

می‌گویند کودکان سازندگان فردای جامعه‌اند و رسیدگی به وضع آنان فریضه‌ای تاخیر ناپذیر و لذا حتی و مقدس است.

در جمهوری دمکراتیک آلمان بیش از ۹۱ درصد کودکان قبل از سنین مدرسه، در کودکانستان‌ها و مهدکودک‌ها نگاهداری میشوند؛ بسدون اینکه والدین آنها مجبور به پرداخت حتی ریالی باشند و تربیت و نگاهداری از این کودکان را نه مریبان اتفاقی بلکه افرادی که در موسسات آموزشی برای اینکار تربیت شده‌اند برعهده دارند.

بخاطر صلح، در راه زندگی، علیه جنگ هسته‌ای

"اگر برای ما اتفاقی افتاد، شما به وظیفه انقلابی خودتان عمل کنید!"

زحمتکشان در مقابل توطئه خود و بی اثر بودن این تبلیغات بیلد در ما تود های ها هر روز بیشتر به حس می آیند .

آری دشمنان حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده، اسران، کور خوانده اند! تود های - ها شکر و منجمه سربند و حزب خود جمع و جمع نمی شوند و تمام تودی های راه ترمی و نجات زحمتکشان را با شن های خود پسر خواهند کرد .

زنده باد حزب توده! ایران، حزب طبقه کارگر ایران!

می شود. اگر برای ما اتفاقی افتاد هر اتفاقی افتاد - شما به وظیفه انقلابی خودتان عمل کنید!

آری این است آن " وصیتی " که نسل گذشته تود های به نسل جوان کرده است .

آری این است آن " وصیتی " که یک تود های آگاه و حاکم بر خود، همیشه می کند .

اینست آن " وصیتی " که چراغ راهنمای نسل جوان تود های است و باقی خواهد ماند و نسه آنچه که به عنوان " اعترافات " دشمنان ترقی ایران می خواهند به خورد ما بدهند و از نابوری

رفقای ترمی هیئت تحریریه " راه توده " !

من یک هوادار حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران هستم .

در دو هفته اخیر با دلی پر درد اخبار منتشر شده در رادیو ایران را شنیدم و سپس همان به اصطلاح " اعترافات " را در روزنامه های به خارج رسیده خواندم . ما یلم برای شما با قلم نارسیام یک نکته را توضیح دهم، که ندای قلب همه تود های ما است .

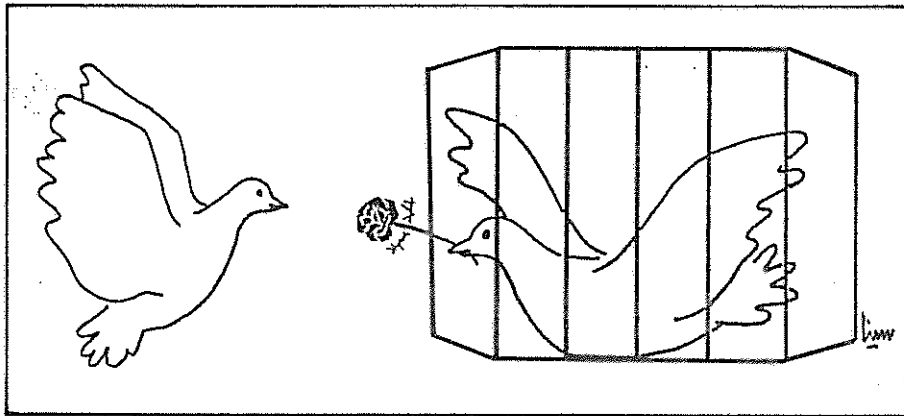
با اولین خبرها در مورد به اصطلاح " اعترافات " من بسیار نگران شدم . اگر چه به رادیو گوش داده بودم، ولی هنوز به عمق ترویر جنایتکارانه ای که اعمال شده بود پی نبرده بودم .

اما وقتی روزنامه ها رسید و آنها را مطالعه کردم، راستش را بخواهید سنگ سنگی از قلبم برداشته شد . برایم هیچ تردید باقی نمانده که تمام این به اصطلاح " مصاحبه ها " به دست آن عناصر خود فروخته ساواکی نشناخته و شناخته ای نوشته شده است، که برای " کمونیست خوری " تربیت شده اند . یاد صحبت در یک جلسه حزبی افتادم، که رفیقی

مضمون آخرین صحبت تلفنی رفیق کیا را چند روز قبل از دستگیریش به اطلاع ما رساند .

رفیق کیا گفته بود:

" حلقه راستگرایان به دور ما تنگ و تنگتر



آزاد ببخش که مورد پشتیبانی خودشان هم قرار دارند، حتی برای کمک به آنها در مجلس شورای اسلامی ایران قانون هم تصویب کرده اند و یک بودجه ۵ میلیون دلاری برای این کمک های درست و بحق تعیین کرده اند، آری ای - نشخوار کنندگان قی شده امپریالیستی نمی فهمند که به زبان خود اعلام می کنند، که جنبش ضد امپریالیست و آزاد ببخش صحرا، سوواپتو، فلسطین، السالوادور، آفریقای جنوبی و ... هم " جاسوسان " جمهوری اسلامی ایران اند! این عناصر کوردل و انحصار طلب، این عناصری که آمده بودند حقوق زحمتکشان جهان را علیه امپریالیسم به عرش برسانند، به زبان خود اعلام می کنند، که رژیم های ارتجاعی السالوادور، آفریقای جنوبی، شیلی، برزیل، آرژانتین، ترکیه، پاکستان و ... که نیربها، سهارتوها، سادات ها، مبارک ها، حسین ها و حسن ها و فهد ها " حتی " دارند " جاسوسان " شوروی و جمهوری اسلامی ایران را سرئوب کنند و خفقان فاشیستی و نژاد پرستانه خود را تحکیم ببخشند! آری آنها، که آمده بودند علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر زمین باندانم باری و با افتادن در چاله سیا گنده " نه شرقی، نه شرقی " عملاً و چه بخواهند و چه نخواهند به چوب دست بی رنگ و پیش پا افتاده امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بدل می شوند!

«استدلال» است یا تحریف

" جویدست مسکو " است، زیرا نظریات حزب توده ایران با نظریات حزب کمونیست اتحاد شوروی تطبیق دارد و پشتیبان اتحاد شوروی، پایه ها قدرتمند و بزرگ صلح و ترقی اجتماعی است؛ پاسخ می دهیم، که تکلیف عمال و جاسوسان " سیا " و اینتلیجنت سرویس و دیگر سازمانهای " امنیتی " امپریالیستی روشن است، آنها برای این کار پول بگیرند و از این راه " زندگی " می کنند؛ آنها " شوروی را مطرح می کنند، تا آمریکا منسی شود . "

اما آنها، که مقام قی کرده این دستگاہی جاسوسی امپریالیسی را در گلو قرقره می کنند، نمی فهمند، که امپریالیسم دارد از گلو آنها و به زبان آنها اعلام می کند، که تمام عناصر مترقی و ضد امپریالیست، تمام جنبش های ضد امپریالیستی و آزاد ببخش " جاسوس " شوروی و " جویدست " مسکواند و از " استقلال " برخوردار نیستند!

آنها، که سالهاست، این آدمس های آمریکائی را می جویند و نمی بینند، که همان قی شده متعفن " سیا " می است که درد همان دارند، به زبان خود اعلام می کنند، که جنبش های

" استدلال " می کنند، که حزب توده ایران گویا به اعلامی ده ماده ای داد ستانی کل انقلاب پایبند نبوده است! پاسخ می دهیم نه! بلکه آنها، این اعلامی ده ماده ای را زیر پا گذاشتند، که یورش عناصر غیر مسئول و مشغول را به دفتر حزب ما تحمل کردند!

" استدلال " می کنند، که حزب توده ایران گویا با فعالیت مخفی، قانون را محترم نشناخته است! پاسخ می دهیم، آنها، که خود با قانون شکنی دفتر ما را بسته نگه داشتند، روزنامه ما را تعطیل کردند، رفقای ما را در موقع مراجعه به کتابفروشی ها و روزنامه فروشی های غلطی دستگیر کردند، دست به قانون شکنی زدند! آنها، که با ایجاد لیست، تهیه اسم و آدرس دگراندیشان، شعار بزرگ انقلاب شکوهمند مردم ما را که " آزادی " بود، لنگد مال کردند آن جا - نیابن قانون شکنی هستند، که دیرباز زود در مقابل خلق و تاریخ پاسخگو خواهند بود!

" استدلال " می کنند، که گویا اعضای حزب توده، ایران " جاسوس " مسکواند و حزب توده، ایران مستقل نیست، وابسته به مسکو

نامه سرگشادهٔ یک حقوقدان آلمانی به مقامات ...

بقیه از صفحه ۶

اموال توقیف شده خود را باز پس می گیرند .
گمونیستهای ایران ، مبارزینی که در امر دفاع
از انقلاب و دستاورد های آن ، حتی از ناز جان
نیز دریغ ندارند ، مورد بیگرد قرار میگیرند ، آسان
را به بند می کشند و بدانان هرچسب میزنند ، شکنجه
شان میدهند و نیز بقتل می رسانند .

پس از برکناری بنی صدر ، از ریاست جمهوری ،
آیت الله خمینی شخصا اظهار داشت که بنی صدر
نقشه های آمریکا را اجرا میکرده و دیگر نایبستی
باین دام گرفتار آیم .

متأسفانه می بینیم که چگونه آمریکا بوسیله
ایادی داخلی ، با استراتژی ضد کمونیستی و
هدفندی ، موفق به گستردن دام بزرگتری شده ،

دامی که پیروان اسلام انقلابی نیز ، بجهت عدم
داشتن برنامه سازماندهی و فرصت طلبی ، بدان
گرفتار آمده اند . راستهای افراطی و مسلمان نما -

ها بکک این توطئه ، نه تنها قدرت مادی خود را
در نهاد های جمهوری تحکیم بخشیدند ، بلکه
به عیان در فراهم آوردن زمینه برای تبلیغات غیر -

انسانی و غیر قانونی خود در دستگاه حاکمیت
نیز موفق شدند . چقدر در دور است تصویر این
مطلب که نیروهایی بکک کارگزاران سابق شاه که

حالا نقاب اسلامی بچهره زده اند ، بجزب توده
ایران حمله برده و با اتهام " سیا " ساخته جا -

جاسوسی دست به تحقیق و فشار علیه این حزب
زده اند - انسانهای مبارزی ، همانند کادر رهبری
حزب توده ، ایران را ، که برخی از آنان در

شکنجه گاههای شاه حتی ۲۵ سال مقاومت کردند
و با وجودیکه میتوانستند تنها با دادن يك امضاء
آزادی خود را باز خرید کنند ، حتی ذره ای از تعاقب

خود دست نکشیدند ، حال تحت شکنجه های
جسمانی و روانی و تزییق داروهای مخصوص ، آنها

را به " اقاتیر " مضحك وامیدارند .
شرم آور است که در بوق و کرنا ی ارگانهای
خبری جمهوری اسلامی ، متد های شکنجه ساواک ،
بحینان مظاهر پیروزی بزرگ انقلاب دیده
میشود ، در حالیکه این اعمال در حقیقت سندی
محکومیت آقایان و مرگ انقلاب می باشد .

افکار عمومی در ایران و جهان ، به ماهیت
چنین " اعترافات " واقف است و اینکه با افرادی
مانند گمانوری که تمام وجودش را بیش از چند دهه
و تحت خطرناکترین شرایط وقف مبارزه در راه
استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی نموده است ،

اینچنین رفتاری بعمل آید ، نشاندهنده پیروزی
پنتاگون و علامت رنگ باختگی نه تنها انقلاب
ایران ، بلکه نیز اسلام انقلابی است ، که نمایندگانی
نش چنین می کنند .

بگذارید هیأت ناظر بیطرفی بایران سفر کنند
و دلائل دستگیریه و شیوه کسب " اعترافات "
را بررسی نمایند . این اقدام برفع انقلاب ایران
بوده و نقاب از چهره راستهای افراطی ، که در
کالبد اسلام خزیده اند ، برمیگردد .

من ، همانند سایر مدافعین انقلاب خواستارم
که بمنظور جلوگیری از این خطر بزرگ ، به اقدامات
علیه راسخترین مدافعان انقلاب پایان داده
شود ! اعضای در بند حزب توده ، اسیران ،
بایستی از امکان دفاع از خود و از عقاید سیاسی
خود برخوردار شوند !

تنها توطئه گران ، کارگزاران ارتجاع و امپریا -
لیسم و ضد انقلابیون ، از خواستهای فوق وحشت
دارند و بالعکس ، انقلاب میتواند بدینوسیله از
خطر نابودی و شکست کامل برهد .

کارل هاینتس وایدن هامر

چرخش بسوی ..

بقیه از صفحه ۱۰
شرقی ، نه غربی ، دقیقاً مسیری را طی می کند که
در " سند شماره ۹ " ترسیم شده است ؟

کودتای خزنده

مجریان خط مندرج در " سند شماره ۹ "
گروه با نفوذی مرکب از روحانیون و غیر روحانیون
راستگرا و ارتجاعی و نیز " جوانان مسلمان "
تعلیم دیده در آمریکا هستند ، که اینک سیاست
" چرخش به راست " و جهت گیری بسوی
شیطان بزرگ " را هدایت می کنند .

زمامداران جمهوری اسلامی به روال همیشگی ،
منکر وجود " کودتای خزنده " اند و آنرا تصویر
واهی ، تهمت ، افترا و بالاخره تبلیغات سوء علیه
" انقلاب اسلامی " وانمود می کنند .

ولی " کودتای خزنده " در
گرایش بسوی " شیطان بزرگ " نه تنها تصویر
واهی نیست ، بل تصویر زنده ملموسی است ، که
برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز
وجود آنرا تصریح می کنند . مثلاً ، آقای نامسل

عابدین زاده طی سخنرانی در جلسه مجلسی ۱۱
اردیبهست ماه سال جاری مجلس شورای اسلامی ،
صریحاً از طرز تفکر " جریان و سبک " ای سخن
گفت ، که استثمار را مسیت خداوند می داند .

وی اظهار داشت :
" این آقایان میلیاردها ، که در زمان شاه
تعام ناخوانج و باندهای او را اداره می کردند ،
چسبنده است که امروز هم همان سجاده و
تسبیح بدست گرفته و دعوی طرفداری اسلام عزیز
را دارند و بحالت حاکمیت اینان بر اقتصاد کشور
است که آن وزیر آمریکائی می گوید " بازار ایران را
نباید از دست داد " . آقای نامل عابدین زاده
خاطر نشان می سازد ، این جریان و سبک نه رسد
که " می خواهد تمام قدرت را بدست گیرد " ،
دقیقاً " پستل ظریف و بسیار فعاله وارد کار
شده است و این است کودتای خزنده . اینان
به امید موفقیت کودتای جدید در درازمدت و
شاید هم به خیال خودشان زیاد طول نکشند ،
برنامه ها دارند ، پولها خرج می کنند . "

آقای عابدین زاده با تأکید نظر بپیرامون
" کودتای خزنده " و اجتناب از افشای وابستگی
مجریان آن به امپریالیسم آمریکا ، فقط گوشه ای
از اسرار پشت پرده را بازگویی شد . آقایان
میلیاردهائی که در زمان شاه اداره امر کارخان -
نها و بانک ها را به عهده داشتند ، آناسی
هستند که سفیر پیر آمریکا در " سند شماره ۹ "
از آنها به مثابه تأمین کنندگان هزینه های روحا -
نیت یادآوری می شد . به نوشته وی این آقایان
حمایت خویش را از روحانیت ، برسبیله پرداخت
هزینه های مکرر و موالی اعلام " می داشتند و به
حساب آنها بود ، که هر هفته میلیونها دلار
میان اینتالله ها دست به دست " می گشت .

در شرایط دشمنی حاکم بر ایران ، هیچ فرد و
گروه سیاسی و مذهبی و هیچ جریان و شبکه ای
نمی تواند ، بدون جلب حمایت و پشتیبانی ، این و
آن گروه از کوراندگان اصلی و عمده اهرمهای
سیاسی ، برنامه " کودتای خزنده " را به قصد
گرایش بسوی وابستگی مطلق ، بهمسرت
دلیل نیز جاسوسان واقعی را سبب در میان
مهره های درست حاکمیت جستجو کند .

با گنج سالیان باور مردم چه می کنید؟

ای حزب
ای امید
ای سرور است قامت آکنده بی به خاک
زخمت اگر چه عمیق است و نابکار
راحت نه در کلام " طعمه " گرگان زنده خوار
گاین توشه ، غنی
این گنج سالیان
فریاد توده هایست
کز عمق رنج جهل ساله می دم
تاریخ نام ترا بر زرتناشتست
(روی سیاه صحنه نمایان بی خرد)
اینست باور فردای خلق ما

دیرینست گفته اند .
آنرا که توده به باور نسته است
گیرم که صحنه نمائید و زشت نگارید ، ای ددان
با گنج سالیان باور مردم چه می کنید ؟

میدانم
میدانم که استوار خواهی بود
چرا که بازوان به زنجیر
و دستهای مانده به خاک
فریاد گرم ترا هر کرانه می خوانند
اگرچه قامت خم ناسوندات
خونین به دست ددان همیشه است
و گرچه خنجر نامردمان
ایستاده به پهلوی خویشتن داری .
فریاد پرتوان زمین ، گار ، نان و آزادی
فریاد توده هایست
فریاد بیگر خونین توده هایست
رقصنده های ساز بد آواز اجنبی
با منطق " سیا "
یاری رفتن هستی معظمت
هرگز نیافتند و نخواهند یافت .

x x x x



قرارداد تحمیلی محکوم است

مقاومت در برابر قرار داد جدید میان اسرائیل و لبنان که تحت فشار آمریکا به دولت لبنان تحمیل شد ، شدت میگیرد .

رشید کرامی نخست وزیر پیشین لبنان اظهار داشت که این قرار داد استقلال ، حق حاکمیت و تمامیت ارضی لبنان را به خطر انداخته است . وی گفت قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد تنها راه واقعی رسیدن به صلح عادلانه و پایدار در منطقه است . طبق این قطعنامه ها اسرائیل موظف میگردد نیروهای خود را بدون قید و شرط و فوراً از خاک لبنان خارج سازد . ولید جنبلاط نیز تمام نیرو های میهنپرست کشور را فراخواند تا به مبارزه خود علیه اشغالگران اسرائیلی - آمریکائی شدت بخشند . حزب کمونیست سوریه نیز طی بیانیهای قرار داد بین اسرائیل و لبنان را محکوم ساخته و اظهار داشته است که این قرارداد در شرایطی منعقد شده است که اسرائیل بخشی از خاک لبنان را تحت اشغال داشته و آمریکا از هر طریقی برای انعقاد این قرار داد به لبنان فشار وارد میکند . در این بیانیه آمده است که این قرار داد اسارت آور مخالف قطعنامه ها سازمان ملل بوده و به استقلال و حق حاکمیت لبنان خدشه وارد میسازد . این قرار داد امنیت سوریه را نیز تهدید میکند چه اسرائیل خواهد توانست تسلط خود را بر تمام مناطق لبنان گسترش دهد . لبنان باید بوسیله این قرار داد به پایگاه آمریکا و اسرائیل در منطقه بدل شود .

فراخوان مادران اروگوه ای

مادران زندانیان سیاسی اروگوه تمام افکار عمومی مترقی جهان را فراخواندند تا برای آزادی فرزندان شان از سیاهچالهای رژیم استبدادی حاکم بر کشور مبارزه کنند . این فراخوان که از طرف مادران دوزدانی سیاسی به نمایندگی از طرف ۴۰۰ مادر دیگر به اطلاع نمایندگان مطبوعات و خبرنگارهای

رشد جنبش اعتراضی در شیلی

نگاهداری آنان اطلاعی در دست نیست . تشییع جنازه دو مبارزی که در روز اعتراض ملی توسط پلیس به قتل رسید ، بودند نیز به تظاهرات عمومی خلق علیه رژیم پینوشه تبدیل شد . شرکت کنندگان در این مراسم خواستار تامین حقوق از دست رفته دمکراتیک و پایان دادن به ترور علیه خلق شیلی شدند . سازمانهای سیاسی ، مذهبی و رساندیکها اعلام کرده اند که دولت نظامیان حاکم بر این کشور در دشوارترین روزهای خود پس از کودتا بسر میرود . حتی محافل ارتجاعی حامی پینوشه نیز ابراز عقیده کرده اند که اعتراضات هفته اخیر جدی ترین فعالیت مخالفین رژیم در سالهای اخیر بوده است . تمام سندیکاهای کشور موفق شدند مرکز واحد رهبری جنبش اعتراضی در کشور تاسیس کنند .

صد ها هزار نفر از زحمتکشان شیلیائی با شرکت در تظاهرات و گرد هم آئی های اعتراضی مخالفت خود را با رژیم دیکتاتوری پینوشه ابراز داشتند . هر روز که میگذرد تشره های وسیعتری از جامعه بهببود وضع فلاکت بار اقتصادی و احیاً شرایط دمکراتیک و آزاد را میطلبند . کارگران در بسیاری از کارخانه ها دست به اعتصاب زدند . عکس العمل پلیس و نظامیان "آمریکائی" حاکم بر شیلی چیزی جز خشونت نبود . در هفته گذشته پلیس به چندین منطقه کارگر نشین سانتیاگو حمله برد ، و بیش از هزار نفر را بازداشت کرد و همچون سال ۱۹۷۳ ، سال کودتا ، آنها را به یک استاد یوم ورزشی منتقل کرد . طبق گفته های مردم ۲۰۰ نفر دیگر از طرف پلیس دستگیر شد و مانده که از محل

کسرن ها ، حامیان نژادپرستان

آمریکا و انگلستان و بسیاری از کشورهای عضو پیمان تجار و کار ناتو علیه آن رای دادند . با وجود توصیه های مکرر سازمان ملل متحد بنی بر لزوم تحریم برقراری هرگونه رابطه اقتصادی با رژیم نژادپرستان آفریقای جنوبی ، تعداد انحصار هائی که در سالهای اخیر در این کشور سرمایه گذاری کرده اند به ۳ هزار میرسد .

فعالیت های کسرنهای چند ملیتی در آفریقای جنوبی و نامیبیای اشغالی در اجلاس کمیسیون مربوط به کنترل انحصارهای فراملیتی شدیدا محکوم شد . نمایندگان "گروه ۷۷" تقاضا کردند که محدودیتهائی برای انجام معاملات با این کشور در نظر گرفته شود . بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل متحد ، از جمله کشورهای سوسیالیستی موافقت خود را با این درخواست اعلام کردند .

جهانی رسید ، دویمین پیام از نوع خود است . این مادران که فرزندان شان به جرم همکاری با سازمانها مترقی به زندانهای طولی مدت محکوم شده اند ، در اواسط سال گذشته پیامی خطاب به مقامات عالی اروگوه ارسال داشتند که در آن غوغای تمام زندانیان سیاسی خواسته شده بود . این پیام طبق معمول هنوز بی جواب مانده است . طبق اطلاع مادران زندانیان سیاسی وضع جسمی بسیاری از آنان وخیم است . زنان زندانی به کارهای سنگین بدنی از جمله سنگ شکنی واداشتمی شوند . چنانکه این مادران گفته اند با وجود اینکه متوسط سنی زندانیان کمی بالای ۳۰ سال است ، بسیاری از آنان طاقت شکنجه ها و وضع زندان را نیاورد ، و جان خود را از دست میدهند .

گسترش همبستگی بین المللی در دفاع از ...

بنگلادش

کمیته مرکزی اتحادیه دانشجویان بنگلادش با انتشار بیانیه ای ، به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا حزب توده ، ایران شدیدا اعتراض نموده ، آزادی فوری زنان را خواستار شده ، همبستگی خود را با مردم قهرمان و انقلاب ضد - امپریالیستی و ضد دیکتاتوری ایران اعلام نموده است .

بقیه از صفحه ۵
همچنین رفیق کارل - هاینتس شرودر ، عضو هیأت رییسه حزب کمونیست آلمان ، با حضور در غرفه حزب توده ، ایران ، همبستگی کمونیستهای آلمان فدرال را با انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران ، حزب توده ، ایران و زندانیان توده ای ، اعلام نمود . سایر همبستان برجسته بین المللی این فستیوال نیز با مراجعه به غرفه حزب توده ، ایران ، با امضاء کردن فراخوان دفاع از زندانیان توده ای و همبستگی خود را با حزب توده ، ایران ، نشان دادند .

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در

زم

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

RAHE TUDEH

No. 43

Friday, 27 May 83

Address:

Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
	Italy 600	L.
France 3	Fr. U.S.A. 40	Cts
Austria 8	Sch. Sweden 3	Skr.